

خشکی زاینده‌رود؛ بستر یک کنش جمعی

سعیده امینی^۱، نرگس آذری^۲

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۳۵۶۹-۶۸۹۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۹۹۳۰-۸۹۴۶-۰۰۰۰-۰۰۰۹

چکیده

بحران آب در ایران، مسئله‌ای فراتر از چرخه‌های خشک‌سالی-ترسالی است. اگرچه کاهش بارش‌ها و تغییر الگوی آن‌ها، موجب کاهش انباشت منابع آبی شده است؛ اما بحرانی‌شدن وضعیت آب در ساحت عین و ذهن بسیاری از ایرانیان قرار گرفته است. بازخوانی بحران آب در ایران به مثابه یک مسئله اجتماعی، از گذر کنش جمعی کشاورزان اصفهانی و بحران آب در زاینده‌رود اصفهان، هدف این نوشتار است. حضور میدانی معترضان شرق اصفهان در سال ۱۳۹۷، سرآغازی برای طرح پرسمان حاضر شد. در این مقاله از چهارچوب مفهومی جانستون و از روش تحلیل محتوای کیفی و بررسی نمودهای رسانه‌ای و تفسیر معنایی استفاده شده است. نتایج نشان داد که با بحرانی‌تر شدن وضعیت آب کشور و پدیدار شدن ناآرامی‌های اجتماعی، چهارچوب تشخیصی خشک‌سالی هیدرولیکی جای خود را به چهارچوب تشخیصی تخصیص ناعادلانه داده است و جرعه کنش جمعی زاینده‌رود از همین جابجایی چهارچوب‌ها و با شکل‌گیری امر سیاسی پدید آمده است. سه مضمون اصلی کشف شده در این مطالعه، حاصل تلاش برای مفهوم‌پردازی در مورد این فرایند است: نخست، فضای تفسیری که مبین شکل‌گیری امر سیاسی در زاینده‌رود است؛ دوم، فضای پرفورمنسی که راهبرد قانونی بودن، راهبرد خودی‌بودن و خودی‌ماندن، راهبرد تداوم و پایداری اعتراضات و راهبرد سوژه مظلوم را نشان می‌دهد و سوم، فضای ساختاری که در سطح نهادی، به نظام صنفی کشاورزان و در سطح عمل، به اثرگذاری بر سیاست پرداخته است. کلیدواژگان: زاینده‌رود، کنش جمعی، کشاورزان، فضای ساختاری، فضای پرفورمنسی، فضای تفسیری.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / saeedeh.amini280@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران / n63azari@gmail.com



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۵

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۹ تا ۴۲

ISSN: 2476-6933/ © Kharazmi University



Drought of Zayandehroud: The Context of a Collective Action

Saeedeh Amini

(Corresponding Author)

Associate Professor of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (saeedeh.amini280@gmail.com)

Narges Azari

PhD candidate of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (n63azari@gmail.com)

Research Article

Abstract

The water crisis in Iran is a problem beyond drought cycles. Although the decrease in rainfall and the change in its pattern have caused a reduction in the accumulation of water resources, the criticality of the water situation is in the life and minds of many Iranians. This article aims to read the water crisis in Iran as a social problem through the collective action of Isfahani farmers and the water crisis in Zayandehroud. The main idea of this article refers to the protest situation in 2017 in the east of Isfahan. This article used qualitative content analysis, analysis of media representations, semantic interpretation, and Johnston's conceptual framework. The results showed that with the worsening of the country's water situation and the emergence of social unrest, the diagnostic framework of hydraulic drought had given its place to the diagnostic framework of unfair allocation, and the arousal of collective action in Zayandehroud has emerged from this. The three main themes discovered are as follows: 1- The interpretative space that shows the formation of the political matter in Zayandehroud. 2- The performance space represents the strategy of being legal, the approach of being an insider and staying an insider, the strategy of continuity and stability of protests, and the strategy of the oppressed subject. 3- The structural space affects the farmers' trade union system at the institutional and practical levels.

Keywords: Zayandehroud, Collective action, Farmers, Structural space, Performance space, Interpretative space.



Social Problems of Iran

Biannual Journal, Vol. 14, No. 2, Autumn & Winter 2024, 9-42.

Received: 18/9/2023 Accepted: 6/12/2023



۱. مقدمه و بیان مسئله

سال ۱۴۰۰ در ایران، سال اعتراضاتی با موضوع مطالبه آب بود. اعتراضی در تابستان این سال در خوزستان و اعتراض دیگری در پاییز همان سال در اصفهان رخ داد و وقوع اعتراضات کوچک‌تر دیگر، موجب شد «بحران آب» به موضوع محوری این سال تبدیل شود و دولت سیزدهم، رودررو با بحران اجتماعی و سیاسی آب، آغاز به کار کرد.

وزارت نیروی دولت سیزدهم، در آذرماه سال ۱۴۰۰ در بیانیه‌ای با موضوع «تغییر اقلیم» و با اشاره به برگزاری اجلاس تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد (کوپ ۲۶)، بر وجود بحران آب در کشور اذعان و تلاش کرد ابعاد آن را معرفی کند. این گزارش با بیان این‌که «ایران نیز از وضعیت جهانی کمبود آب مستثنا نیست و سال آبی گذشته خشک‌ترین سال آبی در ۵۲ سال گذشته بوده و آثار آن به وضوح خود را در روان‌آب‌ها، ذخیره سدها و دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور نشان داده است»، اعلام کرد «خشک‌سالی شدید سبب کاهش تولید یا عدم برداشت محصول و بی‌کیفیتی و عدم رشد کافی محصولات کشاورزی در مناطق وسیعی از کشور می‌شود. کاهش دبی آب رودخانه‌ها باعث کاهش محصولات کشاورزان و خسارت به محیط‌زیست و حیات وحش شده است. بیشتر دریاچه‌های کشور خشک شده‌اند و در فصل گرم، آتش‌سوزی جنگل‌ها وسعت و شدت بیشتری داشته است».

در این گزارش، وزارت نیرو راهکار «سازگاری با کم‌آبی» را به عنوان مهم‌ترین اقدام قابل انجام مردم و دولت معرفی کرده و در توضیح آن «توسعه فعالیت‌ها متناسب با ظرفیت‌های آبی در دسترس با رعایت حقابه محیط‌زیستی» را مطرح نموده است؛ به این صورت که «مواجهه با این شرایط، یک اقدام جمعی و مشترک در جهت سازگاری با کم‌آبی بوده و رسیدن به این هدف، با اراده جمعی مردم و مسئولان امکان‌پذیر است» (خبرگزاری خبرآنلاین، ۵ آذر ۱۴۰۰).

به نظر می‌رسد در این گزارش راهکارها به همان اندازه در دسترس‌اند که گویی مسئله آب، شناخته شده و شفاف است. «سازگاری با کم‌آبی» راهکاری است که برای اولین بار از سوی وزارت نیرو در دولت‌های یازدهم و دوازدهم طرح و دنبال شد، اما این مفهوم راه زیادی تا دستیابی به فهم مشترک در جامعه و همراهی با آن دارد. مسئله بحران آب در ایران، فراتر از چرخه‌های خشک‌سالی-ترسالی است. اگرچه کاهش بارش‌ها و تغییر الگوی آن‌ها، موجب کاهش ذخایر منابع آبی شده است؛ اما بحرانی شدن وضعیت آب مربوط به دشواری یا قطع دسترسی افراد، گروه‌ها و محیط‌زیست به این منابع است.



درواقع، این بحرانی شدن انگاره حق و عدالت در زمینه دسترسی به منابع آبی است که بحران آب نام گرفته است. در هرروی، در این نوشتار قصد نداریم بحران آب را از منظر وضعیت بارش‌ها، برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و نظام هیدرولوژیک آب در کشور بررسی کنیم. در واقع، اتکای اصلی این مقاله، بر داده‌های آبی نخواهد بود؛ بلکه واقعیت را در زمینه اجتماعی آن مورد توجه قرار خواهد داد.

پیش از مقاله حاضر نیز پژوهش‌های داخلی فیروزآبادی و خمسه (۱۴۰۱)، عینالی و شفیعی (۱۳۹۹) و کیانی سلمی و امینی فسخودی (۱۳۹۶) در باب بحران آب در استان اصفهان انجام شده است که نگاه مطالعه حاضر متمایز از این پژوهش‌هاست. پژوهش‌های پیشین پیامدهای اجتماعی خشک‌سالی را عمدتاً از منظر توسعه اجتماعی و محلی واکاوی‌ده‌اند و این پیامدها به صورتی بی‌طرفانه و خنثی در نظر گرفته شده است، بی‌آنکه نقش فعال گروه‌های اجتماعی در برساخت مسئله و نقش قدرت گروه‌ها و تعارضات آن‌ها در شکل‌گیری فضای هستی‌شناسانه و شناختی مسئله دیده شود؛ اما مقاله حاضر از منظر جنبش‌های اجتماعی، درصدد بازخوانی آن چیزی است که به عنوان پیامدهای خشک‌سالی معرفی می‌شود. در واقع، بازخوانی بحران آب در ایران به مثابه یک مسئله اجتماعی، در اینجا با مطالعه‌ای موردی درباره اعتراضات کشاورزان اصفهان پی گرفته می‌شود. همچنین، مسئله اجتماعی آب با تأکید بر بازشناسی آن به مثابه یک کنش جمعی بررسی خواهد شد.

در دهه ۹۰، خشکی مکرر و گاه دائمی زاینده‌رود در طول سال، بر کشاورزان شرق و غرب، شهر و شهروندان اصفهان و تالاب گاوخونی تأثیرات زیادی گذاشته است؛ اما صدای اعتراض در شرق این استان نه به واسطه تالاب گاوخونی و مرگ اکوسیستم بارزش آن و نه با شهر اصفهان و خطر فرونشست آن، بلکه به واسطه کشاورزان شرق اصفهان، بحران معیشت و تهدید تداوم سکونتشان بلند شده است. از این رو، هر نوع تلاش برای فهم مسئله، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و حل بحران در حوزه زاینده‌رود، نیازمند شناخت مطالبات و رسیدگی به اعتراضات یک‌دهه‌ای کشاورزان استان اصفهان و نیز شناخت این مطالبات در استان‌های خوزستان و چهارمحال و بختیاری است.

در این نوشتار، مسئله کشاورزان شرق اصفهان و آنچه در طول یک دهه اعتراضات ساخته و شکل داده‌اند، تاکتیک‌هایی که برای بیان مطالبات خود اتخاذ کرده‌اند، نحوه سازماندهی مطالبات برای رساندن صدای خود به مسئولان، شناخت ایشان از منابع آبی روستاهای خود در گذشته و حال مورد توجه قرار گرفته است.

علی‌رغم آن که شهرت بحران کمبود آب در دشت شرق اصفهان، این منطقه را به عنوان یک منطقه خشک در اذهان تداومی می‌کند؛ اما این منطقه حتی تا ۱۵ یا ۲۰ سال گذشته، همواره مشکل بالابودن آب زیرزمینی و زه‌داربودن اراضی را داشته است (طالبی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). این در حالی است که اکنون با کمی فاصله از رودخانه زاینده‌رود، حفر چاه نیز چندان آبی به مزارع نمی‌دهد و به‌ناچار در ته چاه، تونل‌های افقی حفر می‌کنند تا سطح مقطع چاه چندین برابر شود. بسیاری از باغات نیز در این منطقه، همانند باغات در شهرستان‌های غرب اصفهان خشک شده‌اند. متوسط اراضی در اختیار کشاورزان شرق اصفهان نسبت به سایر مناطق بالاست و به همین جهت طی سال‌های پس از افتتاح سد زاینده‌رود تا دهه ۷۰ که دسترسی به آب زیاد بوده است، این کشاورزان درآمد قابل توجهی به دست آوردند و وابستگی این منطقه نسبت به آب زیاد شد؛ اما اکنون با کاهش دسترسی‌شان به آب، شغل و معیشت خود را از دست داده‌اند و با فقر زندگی می‌کنند (همان: ۱۰۴).

این واقعیت تاریخی منظر جدیدی را پیش روی می‌نهد؛ منظری که در آن مسئله عدم سازگاری با بی‌آبی و خشک‌سالی یا ایجاد نیاز جدید برای دسترسی به آب نیست، بلکه شرایط جدید است که جامعه را با بحران مواجه ساخته است. تا زمان نامحدودبودن دسترسی به آب بر اساس میزان بارندگی هر سال، سابقه کشاورزی چند هزارساله و افزایش میزان آب و افزایش سطح زیرکشت، وضعیت اجتماعی نیز پایدار بود؛ اما در بحران کنونی، آب روان رودخانه زاینده‌رود به آب برنامه‌ریزی شده و تحت کنترل وزارت نیرو تبدیل شده و حبابه‌های کشاورزان به دلیل انفال بودن آب در قانون، با اماگرهای بسیار مواجه شده است. بنابراین هر نوع کنشی برای دسترسی به آب نه یک نیاز جدید، بلکه واکنشی به تغییر شرایط پیشین و قطع دسترسی به آب است؛ تغییری که به ضرر مردم عادی و کشاورزان بوده و از آن سو، منافی را برای گروه‌های دیگری فراهم آورده است. از اینجاست که مسئله «دسترسی و عدالت»، به محور کنش‌های جمعی تبدیل می‌شود.

«خشکی زاینده‌رود در این منطقه، از اواخر دهه ۷۰ شروع شده است. دوره جدید خشک‌سالی از سال ۸۷-۸۶، وضعیت کمبود آب کشاورزی این منطقه را شدیدتر از قبل کرد. پس از چند سال ناتوانی دولت در قبال مشکلات این منطقه، اعتراضات و تجمعات مردم ورزنده در سال ۱۳۹۱ خبرساز شد و نخستین هفته اسفند این سال، بحرانی‌ترین روزهای سال‌های اخیر در منطقه شرق اصفهان بوده است. کشاورزان معترض به ماه‌ها بی‌آبی در رحیم‌آباد زیار پس از چندین روز تحصن و دریافت نکردن پاسخ، خطوط لوله انتقال آب



به یزد در انتهای باند خاکی و متروکه هواپیماهای سمپاش منطقه را شکستند. حفره‌ای به قطر حدود ۱۰ سانتیمتر، ارتفاع فوران آب را به ۳۰ متر رساند و تنها در یک نیم‌روز، آب بخش زیادی از دشت را فراگرفت. این اتفاق یک روز بعد، ۷۰ کیلومتر آن‌سوتر نیز تکرار شد و کشاورزان ورزنده‌ای، با شکستن نقطه‌ای دیگر از خط لوله انتقال آب یزد، با پلیس درگیر شدند» (طالبی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

بدین ترتیب، اعتراضات و شورش‌های کشاورزان شرق اصفهان از ابتدای دهه ۹۰ به منصفه ظهور رسید و از این نقطه است که مسئله پژوهش شکل می‌گیرد؛ جایی که «آب» از یک منبع طبیعی قابل دسترس و یک منبع اشتراکی قابل مذاکره و معامله در سطح کوچک، به مناقشه و چالشی تبدیل می‌شود که مفاهیم، شیوه‌های اعتراض و ساختارهای نهادی در این منطقه را دگرگون می‌کند. از این رو، رویکرد اجتماعی در بازتعریف و شناسایی مسئله آب در استان اصفهان، می‌باید جایگزین توضیح فنی و هیدرولوژیک آن شود تا علل و روندهای شکل‌گیری، تأثیرات آن بر حوزه سیاسی و فرهنگی و نقش تعیین‌کننده آن در مناسبات آینده آن بررسی شود.

- بر این اساس، پرسش محوری پژوهش حاضر آن است که:
- آیا اعتراضات خشکی زاینده‌رود را می‌توان جنبش نامید؟
 - فضای تفسیری اعتراضات به خشکی زاینده‌رود چگونه بوده است؟
 - فضای ساختاری اعتراضات یادشده چگونه بوده است
 - و در نهایت فضای پرفورمنسی این اعتراضات چگونه تحقق یافته است؟

۲. چهارچوب مفهومی

واقعیت اجتماعی اعتراضات کشاورزان شرق اصفهان در ساحت عینی قابل مشاهده است، اما نام‌گذاری آن نیازمند استفاده از مفاهیم انتزاعی و دستگاه‌های نظری مفهومی و تفسیری است. در اینجا، ما این واقعیت اجتماعی را جنبش اجتماعی نامیده‌ایم و نیازمند دیدگاه نظری متفاوتی است.

برینگتون مور^۱ و تدا اسکاچپول^۲ اعتراضات کشاورزان را به عنوان بخشی از قوه محرک شورش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی تلقی کرده‌اند که با توجه به زمینه تاریخی مورد مطالعه‌شان

1. Barrington Moore

2. Theda Skocpol

در فرانسه، روسیه و چین معنادار است؛ اما تفسیر اعتراضات کشاورزان شرق اصفهان، به‌عنوان کنشی متفاوت از شورش انقلابی و در قالب جنبشی اجتماعی که اهداف اصلاح‌طلبانه عمیق‌تری را در مدتی طولانی و در ساختاری منسجم دنبال می‌کند، نیازمند نظریه‌های تبیینی متفاوت است.

چارلز تیلی^۱ در باب کنش جمعی از پنج عنصر عمده سخن می‌گوید: منافع، سازمان، بسیج، فرصت و خود کنش جمعی» (تیلی، ۱۳۸۸: ۱۹). تیلی، بر اساس این پنج جزء، یک جنبش را بازشناسی می‌کند و جمعیت، گروه یا کنشی که واجد این پنج عنصر باشد را جنبش می‌نامد. در نتیجه، تیلی مدلی از «بسیج اجتماعی» را برمی‌سازد که عناصرش شامل منافع، سازمان، بسیج و کنش جمعی می‌شود (تیلی، ۱۳۸۸: ۸۴).

تعریف تیلی از جنبش‌های اجتماعی از آن حیث که آن‌ها را بر مبنای عناصر تشکیل‌دهنده‌شان تحلیل می‌کند، راهگشاست؛ اما در اینجا بنا نداریم این تعریف‌ها را به‌صورت قالبی بر واقعیت اجتماعی مورد بررسی تحمیل کنیم. اشاره به این موضوع، از آن جهت اهمیت دارد که نسبت هدف و مسئله این پژوهش با نظریه تیلی درباره جنبش‌های اجتماعی را مشخص می‌کند و تأکید دارد که ایده تیلی در این پژوهش، برای تبیین نظری و مفهومی به کار رفته است و می‌خواهد جنبش آب در اصفهان را بر اساس نظریه‌های موجود به‌عنوان یک جنبش - در مقابل گزینه‌های بدیل آن - تعریف کند.

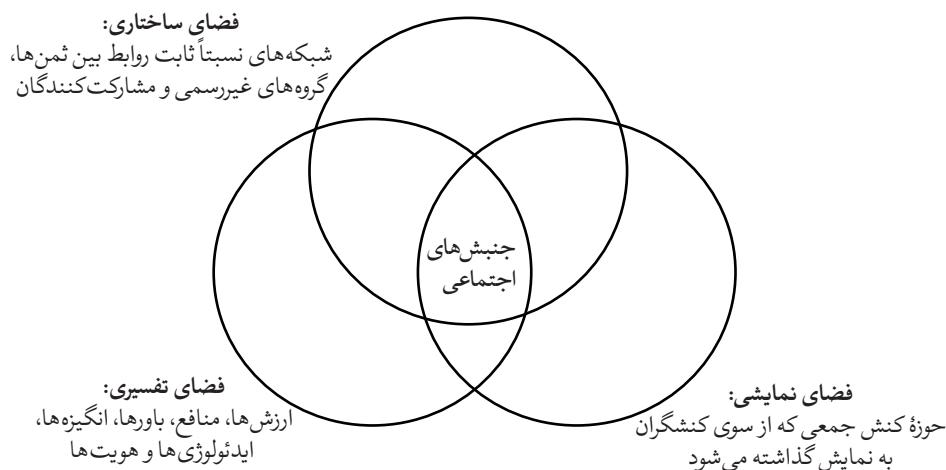
تعریف چارلز تیلی که مبنای پژوهش حاضر قرار گرفته است، البته بی‌طرفانه نیست و نوعی قضاوت مثبت را در مورد آن به همراه دارد. «در بحث مربوط به کنش جمعی، احتمال انفجاری آتش‌فشانی وجود دارد: کنش جمعی، موضوعی مربوط به قدرت و سیاست است. این موضوع با تعیین حق و باطل، عدالت و بی‌عدالتی و امید و ناامیدی سروکار پیدا می‌کند و مشکل دقیقاً در اینجا است که در بردارنده قضاوت درباره حقانیت عمل کسی است» (تیلی، ۱۳۸۸: ۱۷). این ویژگی، روح کلی حاکم بر این نوشتار را نیز توضیح می‌دهد.

ما جنبش اجتماعی کشاورزان شرق اصفهان را، به‌گونه‌ای جانب‌دارانه، در بردارنده ویژگی‌های مقاومت در برابر اقتصاد سیاسی حاکم بر مسئله آب و نحوه تخصیص آن می‌دانیم که گروه‌های اجتماعی بهره‌بردار از آن را نادیده می‌گیرد؛ اما بدین معنا نیست که آن گروه‌ها نیز توان نادیده‌گرفتن و خاموش ماندن در برابر آن را دارند.

1. Charles Tilly



پس از تیلی، هنک جانستون است که جنبش اجتماعی را بر اساس نظریه وی صورت بندی دوباره می کند. جانستون تلاش می کند سازوکارهای جنبش را بر اساس عناصر رفتاری و عوامل ساختاری حاکم بر آن توضیح دهد؛ از این رو فضای نظری این پژوهش، بر مبنای نظریه جانستون در باب شیوه تحلیل و شناخت جنبش اجتماعی سامان یافته است. در این نظریه، وی ابعاد تحلیلی شناخت جنبش ها را در نقطه اشتراکی بین سه فضای ساختاری، فضای مرتبط با پرفورمنس و فضای مفهوم پردازانه - تفسیرگرایانه ترسیم می کند.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

فضای ساختاری: یک جنبش اجتماعی از گروه ها و سازمان های کوچک و بزرگ ستیزه جو یا اهل مدارایی تشکیل می شود که افراد را در درجات مختلف برای مشارکت در هم ادغام و سپس برای کنش بسیج می کنند. اما به غیر از آن ها، گروه های مرتبط دیگری نیز وجود دارند که مهم اند: گروه های حامی، گروه های ذی نفع، و سمن ها. جنبش های اجتماعی یک ساختار شبکه ای دارند. این ساختار، پیچیدگی های ایدئولوژیک، تاکتیکی و سازمانی جنبش های اجتماعی را به هم پیوند می زند، اجزا را به یکدیگر متصل می کند و انسجامی کلی به آن ها می بخشد (همان: ۲۶).

1. Hank Johnston

جنبش‌های اجتماعی آمیزه پیچیده‌ای از گروه‌ها و افراد متکثرند. از این رو، اگر بنیان‌های ساختاری و سازمانی جنبش‌های اجتماعی به مثابه یک کل در نظر گرفته شوند، معمولاً متنوع و پیچیده‌اند و در قالب شبکه‌های ارتباطی باهم مرتبط می‌شوند؛ شبکه‌هایی میان سجاها، گروه‌های غیررسمی و تماشاگرانی که هنوز کاملاً به جنبش متعهد نیستند و همچنین افرادی که ممکن است به جنبش علاقه‌مند باشند، اما هنوز برای آن کنشی انجام نداده‌اند (جانستون، ۱۳۹۸: ۲۹).

فضای مفهوم‌پردازانه-تفسیرگرایانه: جنبش‌های اجتماعی با ایده‌های بزرگ و تغییرمحور شناخته می‌شوند؛ ایده‌هایی که برای آن‌ها کلیتی یکپارچه به ارمغان می‌آورد. این جنبش‌ها در پی تغییر سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌اند و ایدئولوژی‌های آن‌ها گسترده و متضمن راه‌های نوین اندیشیدن درباره روابط و ماهیت انسان است (جانستون، ۱۳۹۸: ۳۴). بر این اساس، فضای مفهوم‌پردازانه-تفسیرگرایانه جنبش‌ها شامل ایدئولوژی‌ها، چهارچوب‌های کنش جمعی، منافع جمعی و هویت‌های جمعی است (همان: ۳۷).

چهارچوب‌های کنش جمعی وجه دیگر تفسیرگرایانه جنبش‌هاست، چهارچوب‌های کنش جمعی برآیند فعالیت چهارچوب‌سازی در میدان جنبش اجتماعی هستند. آن‌ها مجموعه نسبتاً منسجمی از باورها و معانی کنش‌محور هستند که به فعالیت‌ها و کمپین‌های جنبش اجتماعی مشروعیت می‌بخشند و از آن الهام می‌گیرند. چهارچوب‌های کنش جمعی نیز مانند چهارچوب‌های تفسیری روزمره، توجه را متمرکز می‌کنند، عناصر درون چارچوب را شرح می‌دهند و غالباً معانی مرتبط با ابژه‌های مورد نظر را تغییر می‌دهند. اما چهارچوب‌های کنش جمعی، از نظر کارکردهای اصلی‌شان که همان بسیج است، با چهارچوب‌های کنش متقابل روزمره متفاوت‌اند (اسنو و دیگران، ۲۰۱۹: ۳۹۴).

آنچه بیش از چهارچوب‌ها اهمیت دارد، منافع جمعی است که خصلتی ذهنی دارد. منافع جمعی کیفیتی تعیین‌کننده برای جنبش‌ها دارند، درحالی‌که گستره تفسیرسازی درباره مشکلات و همچنین آنچه باید انجام شود، از اهمیت کمتری برخوردار است. منافع مبین شواهد روشن و غیرقابل تردیدی برای افرادند و هزینه‌های اقدام به کنش را شامل می‌شوند (جانستون، ۱۳۹۸: ۳۷). عنصر کلیدی دیگر، بُعد تفسیرگرایانه هویت جمعی است که منافع جمعی را متعادل می‌کند و گاه بر آن فائق می‌آید. ترکیبی از عوامل اقتصادی و فرهنگ مقوم جنبش‌هاست. در جنبش‌های اجتماعی معاصر، هویت جمعی بر منافع جمعی غلبه دارد (جانستون، ۱۳۹۸: ۴۴).



فضای پرفورمنس: تأکید بر پرفورمنس‌های یک جنبش به جای تمرکز بر رویدادهای اعتراضی، در ادامه مسیر جامعه‌شناسی فرهنگی است که به کنش اجتماعی به مثابه نوعی تئاتر می‌نگرد. پرفورمنس‌ها نظیر اعتراضات خیابانی، تظاهرات، اعتصابات و راهپیمایی‌ها به شدت نمادین‌اند؛ بدین معنا که چیزی فراتر از محتوای آوازه‌ها، شعارها، پلاکاردها و سخنرانی‌ها را بیان می‌کنند. علاوه بر این، آن‌ها به معنای واقعی کلمه پرفورمنس‌اند، چون همواره تماشاگرانی دارند: کسانی پرفورمنس‌ها را تماشا می‌کنند، آنچه را که می‌بینند تفسیر می‌کنند و بر اساس تفسیرشان کنش نشان می‌دهند و حضورشان بر چگونگی نمود پرفورمنس‌ها تأثیرگذار است. نگاه به اعتراضات جنبش اجتماعی به مثابه نوعی پرفورمنس، آن را در بستر ارتباط کاملی از کنشگران و انواع مخاطبان قرار می‌دهد (جانستون، ۱۳۹۸: ۲۴).

بدین ترتیب، «جنبش» نامیدن اعتراضات زاینده‌رود، آن را به مثابه یک واقعیت اجتماعی معین در درون مرزهای شناخت جامعه‌شناسی قرار می‌دهد؛ چه آن مرزها روش شناختی باشند و چه در حیطه معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی قرار گیرند. این مهم همه آن چیزی است که تلاش داریم در اینجا محقق سازیم.

۳. روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر حاصل بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی (با تکنیک تحلیل مضمون به منظور تحلیل داده‌ها) است. داده‌ها در اینجا از دو نقطه زمانی متفاوت و دو شیوه میدانی و رصد رسانه‌ای می‌آیند. این داده‌ها برای پاسخ به سؤال محوری این پژوهش که اعتراضات زاینده‌رود را چه باید بنامیم، به نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی مرتبط می‌شوند و در نهایت تفسیر خود را از اعتراضات زاینده‌رود به مثابه یک جنبش ارائه می‌دهند.

مبنای شناخت مسئله، بحبوحه اعتراضات پاییز ۱۳۹۷ در قالب یک مأموریت سازمانی^۱ بوده است که با مصاحبه‌های میدانی و جلسات گروهی در فرمانداری‌ها و دهیاری‌های شرق اصفهان همراه شد. به‌ویژه آنجا که به فضای تفسیری جنبش می‌پردازیم و از فاصله میان روایت‌های رسمی و باورهای کشاورزان سخن می‌گوییم، به داده‌های میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته استناد می‌شود.

۱. از سوی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

اما مسئله مطرح شده در این پژوهش، به پس از این تاریخ مربوط است. از آن زمان به این سو، اعتراضات کشاورزان به شکل‌های مختلفی پدیدار شده و ادامه یافته است. با تداوم اعتراضات، انعکاس آن در رسانه‌ها و واکنش افکار عمومی نیز به تدریج اهمیت یافته و آنجا که پای تعامل میان کشاورزان و سیاستمداران با اعتراضات آنان به میان آمده، اظهارات رسمی بازتاب یافته در رسانه‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در این مرحله دیگر گفتگو با کشاورزان چیزی به داده‌های مورد نیاز اضافه نکرد، بلکه این عمل و بازتاب و واکنش به عمل آنان بود که از حیث نمادین و راهبردی مهم بود. از اینجا، داده‌های میدانی جای خود را به رصد رسانه‌ای داد و بازتاب اعتراضات، سیر تحولات و شیوه‌های تداوم و تغییر آن‌ها و همچنین واکنش سیاستمداران و مسئولان استانی و ملی به این اعتراضات در رسانه‌ها دنبال شد. افزون بر این دو نوع داده میدانی و رسانه‌ای، در جای جای این پژوهش به اسناد موجود در زمینه تخصیص‌های آب زاینده‌رود نیز مراجعه شد.

بدین ترتیب، محتواهای موجود تحلیل شد و مضامینی از خلال آن‌ها کشف و ارائه گردید. برای قابلیت اعتماد و پایایی، از دو روش تکنیک ممیزی و زاویه بندی استفاده شد. تحلیل‌ها توسط دو محقق صورت پذیرفت و هم‌زمان بازخورد بعضی از متخصصین در مورد موضوع، بررسی گردید و موافقت یا مخالفت آن‌ها با برداشت از موضوع و جمع بندی آن اعمال شد. بدین ترتیب، منطق روش شناختی این پژوهش منطبق با شیوه شناخت مفاهیم و استفاده از آن‌ها تا شکل‌گیری و ساخته شدن ایده جنبش نامیدن پیش رفته و از مزایای بررسی در زمانی^۱ در طی بیش از سه سال نیز بهره گرفته شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان داد عناصر یک جنبش اجتماعی در تعریف، مصادیق روشنی در جنبش زاینده‌رود دارد و هر یک از این عناصر قابل تشخیص است. سه فضای زیر به مثابه چهارچوب یافته‌ها طراحی گردید:

- فضای تفسیری: شکل‌گیری امر سیاسی در زاینده‌رود؛
- فضای پرفورمنسی: راهبرد قانونی بودن، راهبرد خودی بودن و خودی ماندن، راهبرد تداوم و پایداری اعتراضات و راهبرد سوژه مظلوم؛
- فضای ساختاری: نهاد نظام صنفی کشاورزان و عمل اثرگذاری بر سیاست.

1. Diachronic



۴-۱. فضای تفسیری؛ شکل‌گیری امر سیاسی در زاینده‌رود

این گزاره که خشک‌سالی‌های اقلیمی نقش مؤثری در کاهش ضریب جریان حوزه و دبی رودخانه دارد، مورد توافق روایت‌های مختلف از خشکی زاینده‌رود است؛ اما همین داده‌ها گویای آن است که وضعیت خشک‌سالی، وضعیت جدیدی در این حوزه نبوده و در دوره‌های متوالی روی داده و تکرار شده است، اگرچه خشکی پایدار رودخانه و اثرات مخرب وسیع بر کشاورزی شرق اصفهان پدیده‌ای نوپدید است.

در پیمایشی که در سال ۱۳۹۵ در بین ۳۸۴ نفر انجام شد (چمنی و کاظمی، ۱۳۹۵)، نتایج به دست آمده نشان‌دهنده سهم بزرگ روایت‌های دیگر به غیر از خشک‌سالی در میان مردم بوده است. در این پژوهش، در پاسخ به این پرسش که «به نظر شما، علت خشک شدن و یا کم‌آبی زاینده‌رود چیست؟»، گزینه «حفر چاه‌های غیرمجاز» اولویت نخست حدود ۱۴٪ از شرکت‌کنندگان و «در نظر نگرفتن حقابه رودخانه» اولویت اول حدود ۲۰٪ آنان بوده است. در مقایسه، گزینه «کاهش برف و خشک‌سالی» را ۱۹/۵٪ از شرکت‌کنندگان به عنوان اولویت اول خود مطرح کرده‌اند. این گزینه، همچنین، به عنوان اولویت دوم حدود ۳۰٪ و اولویت سوم ۳۰٪ از شرکت‌کنندگان بوده است. گزینه‌های دیگر مانند برداشت بی‌رویه منابع آبی برای شرب و صنعت، تونل‌های انتقال آب کوه‌رنگ و پروژه‌های انتقال آب به یزد و کاشان، در مراتب بعدی جزو دلایلی است که شرکت‌کنندگان در پاسخ به این پرسش مطرح می‌کنند. بدین ترتیب، می‌توان دریافت که درک عمومی از روایت رسمی، نشان‌دهنده فاصله‌ای جدی و قابل اعتناست که زمینه را برای شکل‌گیری عناصر تفسیری جنبش پدید می‌آورد.

شاهد دیگر بر ادعای تبدیل شدن مسئله خشکی زاینده‌رود به امری سیاسی، گزارشی است که در ۲۱ فروردین سال ۱۳۹۸ منتشر شد. در نوروز آن سال، بارندگی‌های شدید در ۲۵ استان کشور موجب وقوع سیل مخربی شد که استان‌های مجاور فارس، لرستان، کهگیلویه و ایلام را نیز دربرگرفت. در گزارش مذکور، مصاحبه‌ها و گفته‌های برخی مسئولان استانی مرور (ایمنا، ۱۳۹۸) و فرضیه مهمی بدین ترتیب مطرح شده است: «بر اساس اعلام شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان، در پی بارندگی‌های سال زراعی جاری، تنها ۲۵٪ ظرفیت سد زاینده‌رود پُر شده است. این در حالی است که به اعتقاد کارشناسان، آورده این بارش‌ها می‌توانست ذخیره سد را به طور کامل تکمیل کند» (ایمنا، ۲۱ فروردین ۱۳۹۸).

۱. برای نمونه، نک: رحیمی و محمدی، ۱۳۹۶.

پرابلماتیک مهمی که در این گزاره شکل می‌گیرد، آن است که چرا این‌گونه نشد^۱ و چرا میزان بارش‌ها تأثیر خود را بر جریان رودخانه نشان نداد؟ چه دلایل دیگری وجود دارد که با وجود بارندگی‌های بیش از حد نرمال در بهار سال ۱۳۹۸ که منجر به سیلاب‌های شدید در حوزه کارون و زاینده رود شد، تالاب گاوخونی (پایاب زاینده رود) آبگیری نشد؟ این پرسش‌ها، در واقع، در پی ساختن پدیدار^۲ جدیدی است که انگاره خشک‌سالی به عنوان توجیه پدیده خشکی زاینده رود را به چالش کشیده و مردود می‌سازد.^۳ اگرچه در بهار و پاییز همان سال میزان آب مناسبی^۴ برای کشاورزان اصفهانی تخصیص یافت، اما فارغ از نگاه آماری، در فضای تفسیری پدید آمده، پاسخ‌هایی به این پرسش‌ها داده می‌شود که تفاسیر جدیدی در بازشناسی مسئله آب در جامعه است؛ بازتفسیری که این بار کشاورزان در آن، حاملان آگاهی‌اند.

در همین راستا، دبیر اجرایی نظام صنفی کشاورزان استان اصفهان، «وجود بندهای کوچک و بزرگی تحت عنوان طرح‌های آبخیزداری، انشعابات و انحراف یا پمپاژ آب در بستر رودخانه و سرشاخه‌های اصلی و وجود چاه‌ها و آبخوان‌های بی‌شمار در بالادست رودخانه» را موانع جریان آب در رودخانه برشمرد (ایمنا، ۱۵ مهر ۱۳۹۸) و در جای دیگر، حسین محمدرضایی عضو هیئت‌مدیره نظام صنفی کشاورزان، «وجود بیش از ۶۰۰ سد کوچک در بالادست زاینده رود تحت عنوان بندهای آبخیزداری و بارگذاری‌ها و طرح‌های آبخیزداری بالادست» را مانع جاری شدن بارندگی‌های کوه‌رنگ به سمت زاینده رود دانست.^۵ در نهایت، گزارش مذکور توصیف منازعه پدیدآمده در این حوزه در اذهان شهروندان بود.

۱. «با وجود دو هزار میلی‌متر بارش در منطقه کوه‌رنگ طی شش ماه نخست سال زراعی ۹۸-۹۷، بنا بر تازه‌ترین آمار شرکت آب منطقه‌ای اصفهان، ذخیره سد زاینده رود ۳۷۰ میلیون مترمکعب بوده و بر اساس آخرین پایش‌ها، همچنان حدود ۹۰٪ از وسعت ۴۷ هزارهکتاری تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک است» (ایمنا، ۱۳۹۸).

2. Phenomenon

۳. «سدها و تالاب‌های کشور در حالی یکی پس از دیگری سرریز می‌شود که سد زاینده رود و تالاب بین‌المللی گاوخونی تاکنون سهم چندانی از بارش‌ها و سیلاب‌ها نداشته است و این در حالی است که در گذشته و قبل از دهه ۸۰، به ازای هر میلی‌متر بارندگی در کوه‌رنگ، یک میلیون مترمکعب آب وارد سد زاینده رود می‌شد» (ایمنا، ۱۳۹۸).

۴. با مصوبه وزارت نیرو، در این سال ۳۵۰ تا ۳۷۰ میلیون مترمکعب آب برای حقایبه صیفی‌کاری کشت تابستانه کشاورزان و باغات حوزه زاینده رود اختصاص داده شد.

۵. در این گزارش، به گفته‌های علی مریدی، مدیرکل دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز ارجاع می‌شود که گفته است: «بارگذاری‌ها در بالادست رودخانه، بیش از توان اکولوژیک حوزه آبریز زاینده رود است و سازمان حفاظت محیط‌زیست با همه این‌ها مخالف است؛ زیرا بارگذاری‌ها موزون و متوازن نبوده و سبب قربانی شدن زاینده رود و تالاب بین‌المللی گاوخونی شده است. طرح‌هایی تحت عنوان آبخیزداری در بالادست، در حقیقت، طرح‌های کشت و کار در شیب و توسعه باغات است؛ بندهایی انحرافی که آب را برای مصرف در بالادست ذخیره می‌کند» (ایمنا، ۱۳۹۸).



روند تدریجی جابجایی چهارچوب‌ها از چهارچوب تشخیصی «خشک‌سالی هیدرولیکی» به چهارچوب تشخیصی «تخصیص ناعادلانه» که مبین شکل‌گیری امر سیاسی در زاینده‌رود است که آن را از گفته‌های کشاورزان نیز می‌توان فهم کرد. برای بسیاری از کشاورزان، کمبود آب در منطقه به دلیل عدم سابقه تاریخی باورپذیر نبوده است.

در گفتگوهای میدانی در سال ۹۷، یکی از کشاورزان اهل ورزنه گفت: «آب، همیشه برای چرخاندن آسیاب بوده است. قدیم‌ها هم خشک‌سالی شدید بوده، ولی به گواه این آسیاب‌ها، آن زمان هم رودخانه در زاینده‌رود خشک نمی‌شده است». از نظر بسیاری از آنان، منطقه بسیار پرآب بوده و به همین دلیل آن‌ها نسبت به موضوع انتقال آب مقاومتی نداشته‌اند. در مصاحبه دیگری در «اژیه»، یکی از کشاورزان معترض گفت: «آب در این منطقه به قدری زیاد بود که زمین‌ها را زه‌دار می‌کردند. ما بابت انتقال آب هیچ نگرانی که نداشته‌ایم، تازه خوشحال هم بودیم که باعث کم‌شدن در دسر زه‌کشی و آب‌زیاد زمین‌ها هم می‌شود».

در گفتگوی مشابهی یکی از کشاورزان معترض ورزنه نیز گفت: «امتیاز کارخانه‌هایی را برای ورزنه در نظر گرفته بودند که اگر جلوی انتقال آب را گرفتند، برای ورزنه کارخانه بسازند. ولی مردم جلوی آن نایستادند و راضی هم بودند که رطوبت منطقه کاهش یابد و امکان کشاورزی فراهم شود». بدین ترتیب، کشاورزان سنتی و قدیمی معترض که ارتباط شناختی تجربی با زمین و آب دارند، درک متفاوتی از مسئله دارند که فضای تفسیری مطلوب رسمی را به چالش می‌کشد و بنیانی برای ساخت کنش‌های اعتراضی پیرامون آن است.

۲-۴. فضای نمایش (پرفورمنس)؛ راهبردهای نمایش اعتراض

ششم آذرماه سال ۱۴۰۰ در استودیوی فضای باز صداوسیما اصفهان، برنامه‌ای زنده در حال پخش از شبکه استانی بود که صدای اعتراضات مردم اصفهان نیز به صورت زنده در آن برنامه شنیده شد. نزدیکی محل تجمعات اعتراضی به محل اجرای برنامه، موجب این اتفاق بود که ویدئوی آن در فضای مجازی بسیار دیده شد و مورد نقد و تحلیل نشانه‌شناسی هم قرار گرفت. در اینجا این رویداد را به عنوان دریچه‌ای برای ورود به مبحث نسبت جنبش و اعتراضات زاینده‌رود با رسانه‌های رسمی در نظر می‌گیریم که بخش مهمی از سیاست‌های نمایش یا به تعبیر جانستون پرفورمنس جنبش را تعریف می‌کنند.

رسانه‌های خبری در دهه ۹۰، همواره خبرهایی از شورش‌ها و اعتراضاتی با موضوع مشابه «کشاورزان شرق اصفهان» را پوشش داده‌اند. این اخبار و تکرار آن، ظهور و حضور یک جنبش جدید و پیگیری مطالبه‌ای مشخص را تأیید می‌کرد که تا به امروز ادامه یافته است. فهرست زیر، تلاشی برای ارائه یک گاه‌شمار از مهم‌ترین وقایع و رویدادهای این دهه است که با رصد رسانه‌ای اخبار مربوط به این اعتراضات تهیه شده است:

• ۱۳۹۱. گروهی از کشاورزان شرق اصفهان اقدام به شکستن لوله‌های انتقال آب به استان یزد کردند که منجر به درگیری با نیروی انتظامی و مجروح شدن تعدادی از آن‌ها شد.

• ۱۳۹۵. کشاورزان در آبان‌ماه سال ۱۳۹۵، تراکتورهای خود را به نشانه اعتراض در ورودی شهر اصفهان مستقر کردند.

• اسفند ۱۳۹۶. تظاهرات در مقابل بخشداری شهر ورزنه اصفهان.

• ۱۸ اسفند ۱۳۹۶. چند صد تا چند هزار (قریب به ده هزار نفر) کشاورز اصفهانی که به بی‌آبی معترض بودند، اقدام به تخریب خط لوله آب زاینده رود به یزد کردند.

• ۱۹ اسفند ۱۳۹۶. اعتراض در شهرهای ورزنه، اژیه و اصفهان.

• ۲۴ اسفند ۱۳۹۶. تظاهرات بر روی پل خواجه.

• ۲۵ اسفند ۱۳۹۶. در این روز، اعتراض‌ها به نماز جمعه رسید، معترضان قبل از شروع نماز شعارهایی سر دادند.

• ۱۱ آبان ۱۳۹۷. کشاورزان قهدریجان باهدف به دست آوردن حقاب‌شان برای کشت پاییزی، دست به تجمع اعتراضی و تحصن زدند.

• ۱۹ آبان ۱۳۹۷. تجمع اعتراضی پنج‌هزار کشاورز شرق اصفهان در روستای وجاره برگزار شد و کشاورزان خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

• ۴ آذر ۱۳۹۷. کشاورزان ورزنه اصفهان، در اعتراض به بی‌آبی، در کنار خط انتقال آب به یزد اقدام به تجمع اعتراضی کردند و سپس با نیروهای امنیتی درگیر شدند. کشاورزان با لودر خط لوله آب به یزد را تخریب کردند.

• دی ۱۳۹۸. شماری از کشاورزان شرق اصفهان، در پی اطلاع از شروع مجدد حفر کانال توسط شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان برای انتقال آب سد زاینده رود به منطقه بن بروجن، با تجمع در محوطه سد تنظیمی زاینده رود، از حفر کانال و انتقال آب سد زاینده رود برای چندمین بار ممانعت کردند.

۱. گزینه‌های ذکرشده، در رسانه‌های متنوع و متعدد در دسترس‌اند؛ از این رو برای هر یک، منبع مجزا ذکر نشده است.



• سوم بهمن ۱۳۹۸. کشاورزان درچه اصفهان، در اعتراض به جاده‌کشی شهری در زمین‌های کشاورزی خود، اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. در حمله نیروهای یگان ویژه به کشاورزان، بیش از ۴۰ تن از کشاورزان درچه بازداشت شدند. کشاورزان در مقابل شهرداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند تا مانع تخریب زمین‌هایشان بشوند.

• سوم بهمن ۱۳۹۸. عده‌ای از کشاورزان استان اصفهان، در مقابل نیروگاه حرارتی اسلام‌آباد اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کشاورزان در اعتراض به ساخت‌وساز این نیروگاه در حریم و بستر رودخانه تجمع و اقدام به تخریب دیوار ساخته‌شده توسط نهادهای دولتی کردند.

• ۲۰ خرداد ۱۳۹۹. کشاورزان غرب اصفهان، در اعتراض به محرومیت از حقابه و امتناع از تأمین آب وعده‌داده‌شده توسط مقامات به آن‌ها برای کاشت محصولات در تابستان، مقابل استانداری اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند. کشاورزان پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: «ما کشاورزان غرب دیگر برای کارگری و نوکری به شهر نمی‌آییم». کشاورزان معترض خواستار ادامه جریان آب زاینده‌رود برای ادامه کشت بهاره بودند.

• مرداد ۱۳۹۹. کشاورزان اصفهانی ۲۲ مردادماه ۱۳۹۹، در یک حرکت اعتراضی و طی یک اقدام خودجوش، مانع خاکی ایجادشده برای انحراف آب زاینده‌رود به سمت فولاد مبارکه را تخریب کرده و آب را به مسیر اصلی خود بازگرداندند. این مانع خاکی که توسط جهت‌های ذی‌نفع برای رساندن آب زاینده‌رود به سمت صنایع فولاد مبارکه ایجاد شده، مسیر طبیعی رودخانه زاینده‌رود را مسدود کرده بود. همچنین، این مانع خاکی، کشاورزان اصفهانی را از آب محروم کرده بود؛ بنابراین، توسط کشاورزان معترض برداشته شد.

• ۲۸ آبان ۱۴۰۰. در این روز، تصاویری نادر به صورت زنده از تلویزیون رسمی جمهوری اسلامی پخش شد که در آن اعتراضات انبوه مردم و کشاورزان اصفهان در بستر رودخانه زاینده‌رود نمایش داده می‌شد. این دو رویداد، نمونه‌ای برای توضیح یک ارتباط و تعامل میان جنبش و رسانه است؛ تعاملی که فرازوفرودهای بسیاری داشته و دارد و نمی‌توان آن را تنها با اتکا به یک سیاست واحد از سوی یکی از طرفین فهم کرد. در روز ۲۸ آبان ۱۴۰۰، با فراخوان کشاورزان اصفهانی، جمعیتی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر در بستر زاینده‌رود تجمع اعتراضی برپا کردند. این اعتراضات از روز دوشنبه ۱۷ آبان‌ماه آغاز شده بود.

در اولین روز این اعتراضات، کشاورزان در مقابل سازمان صداوسیما استان اصفهان تجمع کردند. دو روز بعد درحالی که اعتراضات در بستر زاینده‌رود ادامه داشت، اولین گزارش صداوسیما استان اصفهان به موضوع کشاورزان اختصاص یافت. اما رویداد اعتراضی روز جمعه، از حیث مکان اجرای آن (بستر خشک رودخانه زاینده‌رود و در مرکز شهر اصفهان) و همچنین از نظر تعداد و تنوع معترضان، وضعیت خاصی بود. گزارش‌های خبری و تحلیلی متنوعی درباره بحران آن از شبکه‌های خبری پخش شد و حتی در این روز شبکه خبر صداوسیما اقدام به پخش مستقیم این اعتراضات کرد. در بیش از دو هفته‌ای که اعتراضات کشاورزان در اصفهان در جریان بود، بارها گزارش‌های خبری و تحلیلی در صداوسیما استان و ملی در مورد آن‌ها، مطالباتشان و اعتراضاتشان پخش شد. برخلاف اعتراضات پیشین که گروه معترضان غالباً افرادی نابهنجار معرفی می‌شدند، بازنمایی کشاورزان اصفهانی به عنوان مردمی سخت‌کوش که «حق» خود را مطالبه می‌کنند، خبر از تغییری بزرگ در رسانه ملی می‌داد؛ صحنه اعتراض به تلویزیون راه یافته بود.

علاوه بر این، اطراق کشاورزان اصفهانی در بستر زاینده‌رود، بیش از دو هفته از سوی نهادهای امنیتی و انتظامی تحمل شد. در شرایطی که دو چادر بزرگ از سوی کشاورزان نصب و چند چادر کوچک هم به آن اضافه شد، کشاورزان اصفهانی هرروز در بستر خشک زاینده‌رود شعار دادند، دیگ‌های غذا برپا کردند، در مقابل خبرنگاران و دوربین‌های مختلف صحبت کردند، شب‌ها به دور آتش گرد آمدند و در همه این مدت از شهروندان اصفهانی خواستند تا به آن‌ها بپیوندند. در روز راهپیمایی بزرگ ۲۷ آبان، امنیت این تجمع بزرگ نه توسط یگان‌های پرشمار ویژه که توسط صنف کشاورزان تأمین شد و نتیجه آن ظهور یک اعتراض مدنی مسالمت‌آمیز و پذیرش آن از سوی حاکمیت بود. این در حالی است که در سال‌های پایانی دهه ۹۰، کشور صحنه اعتراض‌های مردمی در شهرهای مختلف بود و چنین امکانی برای هیچ‌یک فراهم نشد.

به نظر می‌رسد اعتراض اخیر در اصفهان، از دو حیث پوشش رسانه‌ای و تحمل امنیتی وضعیت ویژه‌ای داشته است که موجب جلب توجه مثبت افکار عمومی شد. این سیاست‌ها البته منتقدانی نیز داشت که با دیده شک و تردید به این وضعیت نگریستند و آن را نوعی سیاست نمایشی یا نوعی سیاست حمایتی تبعیض‌آمیز از کشاورزان اصفهانی دانستند؛ به‌ویژه آن‌که در هفته سوم اعتراضات زاینده‌رود، تجمعات اعتراضی



در استان‌های چهارمحال و بختیاری و خوزستان نیز صورت گرفت، اما از سوی صداوسیما پوشش داده نشد. اما آیا واقعاً این جنبش به سادگی حمایت رسانه‌ای رسمی را پشتوانه خود کرده بود؟ آیا اساساً می‌توان این پخش رسانه‌ای را به منزله حمایت سیاسی دانست؟ در اینجا، با دو سیستم پیچیده اجتماعی؛ یعنی جنبش اجتماعی از یک سو و رسانه سیاسی از سوی دیگر، مواجهیم. «ما می‌توانیم درباره ارتباط بین رسانه و جنبش‌های اجتماعی به عنوان یک دادوستد بین دو سیستم پیچیده بیندیشیم که هر یک در جهت تحقق هدف‌های خود تلاش می‌کند. جنبش‌ها از رسانه‌ها می‌خواهند پیام آن‌ها را به مردم انتقال دهند، در حالی که رسانه‌ها به جنبش‌ها به عنوان منابع بالقوه خبرساز نگاه می‌کنند. به هر حال، رسانه در رابطه‌اش با جنبش‌های اجتماعی، دست بالاتر را دارد. جنبش‌ها به رسانه‌های جمعی نیاز دارند تا بتوانند به صورت گسترده، فعالیت‌های خود را به گوش مردم برسانند» (کروتی و هوینس، ۱۳۹۱). در این معامله، گاهی توافق را در صورتی که بیان شد نمایان می‌بینیم و سایر وجوه تعارض مخفی می‌شود که در اینجا، به برخی از وجوه تعارض خواهیم پرداخت.

حدود یک ماه پیش از آغاز اعتراضات، معاون سیاسی استانداری اصفهان در دولت سیزدهم، در اظهارنظری رسمی درباره مسئله آب در استان، با اشاره به اعتراضات زاینده رود گفت: «در استان اصفهان، مشکلات را کمتر رسانه‌ای کردیم که در این راستا، از تک تک رسانه‌هایی که مشکلات را تشدید نکرده و از تجمعات سوژه‌سازی نکردند، تشکر می‌کنیم. انتظار می‌رود رسانه‌ها به کلیات این مسائل کمک کنند». در این جملات، وی سیاست رسانه‌ای استان را در رسانه‌ای نکردن جنبش و کمک رسانه‌ها برای عدم سوژه‌سازی از فعالیت‌های جنبش می‌داند؛ این در حالی است که رسانه‌های خارجی و غیرهمسو با نظام، سیاست متفاوتی را دنبال و تلاش می‌کنند از مسیر رسانه‌ای سازی، تأکید بر ویژگی‌های اعتراضی این جنبش و یافتن روزهایی برای رادیکال کردن آن، جنبش را بازنمایی و نمایندگی کنند.

در سابقه بیش از ده ساله جنبش زاینده رود نیز تعارضاتی از این دست با رسانه‌های رسمی بیش از وجوه توافق و تعامل بوده است؛ چنانچه در هر حضور خیابانی، شرکت کنندگان همواره شعارهایی در اعتراض به عدم پوشش رسانه‌ای داده‌اند. در وضعیتی مشابه در بهمن ۱۳۹۶، کشاورزان اصفهانی یک ماه را در چادرهای برپاشده در حاشیه جاده شرق اصفهان به سر بردند و تراکتورهایشان را در حاشیه جاده مستقر کردند؛ اما این کنش اعتراضی به رسانه ملی راه نیافت و در سایر رسانه‌ها نیز پوشش کمی پیدا کرد.

بدین ترتیب، رسانه و جنبش در وضعیت کشمکش به سر می‌بردند و آنچه جنبش و رسانه را - حتی در زمانی کوتاه - هم‌راستا می‌کند، ترکیبی از هوشمندی در انتخاب راهبردهای رسانه‌ای و تداوم جنبش است که رسانه را به واکنش به وجوه مختلف آن وامی‌دارد. نه سیاست‌های حاکمیت در برابر اعتراضات به‌رغم تجربه کوتاه مدت مدارا و پوشش رسانه‌ای در اعتراضات اخیر، تغییر مبنایی به خود دیده بود و نه این جنبش سری در سران قدرت و رسانه داشت. این راهبردهای رسانه‌ای جنبش بود که از آن پدیده‌ای غیرقابل چشم‌پوشی ساخته بود. فهم این راهبردها به معنای فهم سیاست رسانه‌ای جنبش است. در اینجا، هر یک از این راهبردها را شناسایی و به اختصار معرفی کرده‌ایم؛ راهبردهایی که اگرچه در نسبت جنبش و رسانه تعریف شده‌اند، ولی در واقع سیاست‌های کنش جنبش‌اند.

۱-۲-۴. راهبرد قانونی بودن

قانونی کردن اهداف و مطالبات جنبش به‌عنوان یک راهبرد، از ابتدا مورد توجه این جنبش بوده است و شاید نقطه عطف آن را بتوان در بهره‌برداری از مصوبه سال ۱۳۹۲ دانست که به مصوبه نه ماده‌ای مشهور است و به‌عنوان پشتوانه قانونی اعتراضات کشاورزان، همواره مورد تأکید قرار می‌گیرد. با آغاز دولت دوازدهم در سال ۱۳۹۲ و در راستای وعده انتخاباتی رئیس دولت برای حل مشکل زاینده‌رود، مصوبه‌ای نه ماده‌ای به‌عنوان یک راهکار سیاستی فوری و عملیاتی برای حل مسئله آب در شورای عالی آب به تصویب رسید.^۱

اگرچه نادیده گرفتن پیچیدگی‌های مسئله آب در این حوزه، مانع از عملی شدن این مصوبه و نقش آفرینی متفاوت آن در سامان‌دهی مطالبات صنفی شد؛ اما تأثیر اصلی آن در فضای جنبش زاینده‌رود ماندگار شد و پس از این مصوبه، اعتراضات کشاورزان بستری قانونی یافت و شکل جدیدی به خود گرفت. با وجود محدودیت‌های وضع شده برای تخصیص‌های جدید آب و کنترل مصارف در مصوبه پیش‌گفته، بحران آب در اصفهان و اعتراضات کشاورزان این منطقه ادامه یافت و این مصوبه مطالبات کشاورزان را در هیئت مطالبه‌ای برای اجرای قانونی مصوب سازمان دهی کرد.

۱. روایت استاندار وقت در مورد این مصوبه این‌گونه است: «پس از این‌که به سمت استاندار اصفهان منصوب شدم، با توجه به این‌که مطلع بودم یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم اصفهان جاری شدن آب در رودخانه زاینده‌رود است، ۴۰ روز پس از عهده‌دار شدن این پست طرحی پنج‌ماده‌ای را برای احیای رودخانه زاینده‌رود تهیه و ارائه دادم که این طرح در دهمین جلسه شورای عالی آب کشور مطرح شد و به تصویب رسید. البته، در جلسه شورای عالی آب که به ریاست رئیس‌جمهور، وزیر نیرو و با حضور استانداران اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و یزد برگزار شد، این طرح پنج‌ماده‌ای به ۹ ماده تغییر کرد» (۱۴ بهمن ۱۳۹۲، شبکه اطلاع‌رسانی دانا).



از آن زمان، این مصوبه به شهرتی رسید که انتظار نمی‌رفت و چنان پشتوانه همه فعالیت‌های اعتراضی یا اقدامات صورت‌گرفته برای جلوگیری از برخی برداشت‌های به‌ظاهر قانونی آب قرار گرفت که توانست اعتراضاتی را که زیاده‌خواهانه تلقی می‌شد، به جنبشی با اهداف و مطالبات مشخص قانونی تبدیل کند.

این مصوبه که در بند چهارم ممنوعیت بارگذاری جدید بر منابع آب زاینده‌رود تا پیش از تعیین تکلیف در این حوزه را تکلیف می‌کرد و در بند پنجم سامان‌دهی برداشت آب در استان‌های اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری و جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز را تعیین کرده بود، توانست پشتوانه قانونی اقدامات کشاورزان اصفهانی برای جلوگیری از برداشت‌های آب در استان‌های دیگر و ممانعت از برداشت صنایع جدید یا برداشت‌های جدید صنایع بزرگ حوزه شود.

همچنین، تکلیف انجام مطالعات تونل آب‌رسانی به اصفهان با عنوان طرح گلاب (انتقال آب) توسط وزارت نیرو (بند هشتم) و اجرای طرح انتقال آب بهشت‌آباد (بند نهم)، از مواردی است که کشاورزان اصفهانی به استناد آن، دولت را به عدم اجرای قانون متهم می‌کنند. در این شرایط، آنان بر این باورند که قانون‌شکنی نه از رفتارهای اعتراضی آنان، بلکه از سوی دولت آغاز شده و ناگزیر این رابطه را خارج از چهارچوب راهکارهای قانونی تعریف کرده است. سیاست تأکید بر قانونی بودن اعتراضات، تنها در سطح قانونی خواندن مطالبات باقی نماند و حضور در اعتراضات خیابانی را نیز در بستری قانونی و در راستای معرفی مطالبات به‌عنوان پیگیری اجرای قانون تعریف کرد.

برای مثال، در پی اعتراضات ۲۸ آبان و ۵ آذر ۱۴۰۰، یکی از اعضای هیئت‌مدیره صنف کشاورزان اصفهان، این‌گونه فضای رسانه‌ای را متوجه ماهیت قانونی مطالبات و پیمودن روند اعتراضات با هماهنگی و توافق با نیروهای سیاسی می‌کند: «تنها مطالبه و خواسته کشاورزان، دریافت حقه و برگرداندن معیشت به آن‌ها و احیای زاینده‌رود است. کشاورزان در تحصن هفده‌روزه نشان دادند که اجازه هیچ‌گونه سوءاستفاده و بهره‌برداری سیاسی را به فرد یا گروهی نخواهند داد. اوایل هفته گذشته بود که ۱۰ نفر از اعضای صنف کشاورزی اصفهان، شورای میراب‌های شرق و شورای آب‌بران غرب استان، به نمایندگی از جمعیت ۴۵۰ هزارنفری کشاورزان اصفهان، با استاندار و با پادرمیانی آیت‌الله مهدوی، عضو مجلس خبرگان رهبری و امام‌جمعه موقت اصفهان، به توافق رسیدند و بیانیه‌ای در هفت بند تنظیم شد که بند انتهایی مبنی بر جمع‌شدن چادر کشاورزان از بستر زاینده‌رود

بود. این توافق نمایندگان جامعه کشاورزی در حالی صورت گرفت که پس از طرح موضوع با تحصن‌کنندگان، عده‌ای از آن‌ها به این توافق معترض بودند و تعدادی مجاب شدند و به خانه‌های خود بازگشتند» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۶ آذر ۱۴۰۰).

تعارض شکل گرفته در حوزه زاینده‌رود، به تعارض بخش‌های مختلف حاکمیت با یکدیگر برای کسب منافع سیاسی نیز منجر شده است و نتیجه آن رویدادها و اظهارنظرهایی است که در دیدرس رسانه‌های رسمی قرار دارد؛ مانند این اظهارات نماینده اصفهان که از یک تهدید جدی و ارسال نامه به رئیس‌جمهور (پیش از رویداد اعتراضی آبان ۱۴۰۰) سخن می‌گوید: «صبر مردم اصفهان در خصوص بحران زاینده‌رود لبریز شده است؛ لذا در باب رسیدگی به این معضل بزرگ، نامه‌ای برای ارسال به رئیس‌جمهور تنظیم کردیم تا ورود جدی پیدا کند» (خبرگزاری فارس، ۱۳ شهریور ۱۴۰۰). در این اظهارات و نمونه‌های مشابه بسیار که از سوی نمایندگان مجلس و سایر مسئولان سیاسی مطرح شد، ویژگی بازنمایی رسانه‌ای جنبش زاینده‌رود در گفتمان رسمی و هم‌راستایی ذی‌نفوذان با ایشان نمایان است.

بدین ترتیب، فعالیت‌های اعتراضی جنبش زاینده‌رود در قالب گفتمان قانونی و شرعی جمهوری اسلامی، امکان برخورد قانونی رادشوارمی‌سازد. این سیاست در شیوه‌های مختلفی نیز پیگیری می‌شود. برای مثال، بخشی از فعالیت‌های اعتراضی کشاورزان به صورت حقوقی و در چهارچوب مفاهیم حقوق عامه و استفاده شرعی از منابع عمومی صورت می‌گیرد که مفاهیم دینی قابل پیگیری در چهارچوب فقه شیعی است. با شکایت وکیل حقابه‌داران شرق اصفهان از وزارت نیرو، چنین بیانیه‌ای در سایت رسمی شورای نگهبان صادر شد: «در خصوص شکایت شاکی با موضوع مغایرت قانونی و شرعی دستورالعمل‌ها و نامه‌های مرتبط با تأمین آب شرب و صنعتی یزد از طریق انتقال آب زاینده‌رود با حقوق حقابه‌داران زاینده‌رود، باید بیان نمود که هرچند بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی و قوانین عادی مرتبط با این حوزه، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی از انفال و ثروت‌های عمومی بوده و در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید و امور حاکمیتی این حوزه از قبیل مدیریت حوزه‌های آب‌ریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوزه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب در اختیار وزارت نیرو قرار دارد؛ اما ترتیب استفاده از آن‌ها را قانون معین می‌کند و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، در فرایند مدیریت و انتقال بین حوزه‌ای آب، باید حقوق حقابه‌داران



رعایت گردد. از همین رو، از آنجاکه در فرایند انتقال آب زاینده رود به یزد، حقوق حقا به داران رعایت نگردیده است، مصوبات، دستورالعمل‌ها و نامه‌های صادره در این خصوص، مغایر با موازین قانونی به نظر می‌رسد» (سامانه جامع نظرات شورای نگهبان).
بر این اساس، کشاورزان اصفهانی، با اتکا به این حکم شرعی و رسمی، تعرض خود به خط لوله آب یزد را دفاع از حقوق شرعی خود دانسته و اقدام انتقال آب را امری غیرشرعی خوانده‌اند.

۲-۴. راهبرد خودی بودن و خودی ماندن

در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰، کشاورزان شرق اصفهان در منطقه چادگان (که سد زاینده رود در آن قرار دارد) تجمع اعتراضی برگزار کردند؛ تجمعی که آنان را در موقعیتی تهاجمی قرار داد. در گزارشی از زبان یکی از معترضان چنین گفته شد: «از منطقه شرق اصفهان که سال‌هاست با مشکل بی‌آبی و خشک‌سالی و عدم تخصیص حقا به کشاورزی مواجه است، با ماشین به چادگان آمده‌ایم تا لوله انتقال آب به یزد را کور کنیم! ما چیزی جز حقا به خودمان نمی‌خواهیم؛ می‌دانیم خشک‌سالی است، ولی حقا به مان حتی اگر یک استکان آب است را به خودمان بدهند تا در موردش تصمیم بگیریم که چگونه آن را مصرف کنیم. مدیریت آب را به خودمان بدهند؛ اصلاً بدهند دست یک بچه کشاورز تا ببینند بهتر از خودشان مدیریت می‌کنیم یا نه؟» (خبرگزاری ایلنا، ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰).
کشاورزان که با تراکتورهایشان به نزدیکی سد آمده بودند، در کلامشان تهدیدهای جدی نسبت به قصدشان داشتند و همین باعث صدور اطلاعیه‌ای سوی دادستان عمومی و انقلاب اصفهان شد که هرگونه تجمع برای مطالبات زاینده رود بدون مجوز شورای تأمین را ممنوع اعلام می‌کرد (دیدار، ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰). برخلاف ظاهر این واکنش، اما این به معنای رد کردن خط‌قرمزهای امنیتی از سوی دستگاه‌های امنیتی نبود؛ چراکه در این اطلاعیه بر «حقوق حقه جامعه کشاورزان» به عنوان یکی از اولویت‌ها و وظیفه دستگاه قضایی تأکید شده و در مقایسه با سایر تجمعات صنفی، برخورد بسیار نرم و همدلانه‌تر و هشدار پیشگیرانه‌ای داده شده بود. در این اطلاعیه گفته شده بود: «مطالبات این قشر زحمت‌کش، موضوع سوءاستفاده جریان‌های معاند قرار گرفته و عوامل نفوذی مترصد جهت‌دهی اعتراضات در راستای نیل به اهداف سیاسی و خرابکارانه خویش برآمده‌اند و در جلسات نمایندگان کشاورزان، این موضوع گوشزد و مورد قبول قرار گرفته است.»

در این عبارات، اگرچه به نظر می‌رسد دستگاه قضایی نیز ساختار و نمایندگان جنبش و جلب همراهی آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد، اما تهدید بالقوه‌ای برای جنبش نیز وجود دارد. در واکنش به این موضوع، کمی پس از اطلاعیه دادستان و دستگاه قضا، نظام صنفی کشاورزان شهرستان اصفهان در بیانیه‌ای، خود را حامی نظام جمهوری اسلامی معرفی و اعلام کرد «قصور نادیده گرفته شدن حقوق کشاورزان را به پای نظام نمی‌گذارد و پرشور در انتخابات شرکت می‌کنند» (مهر، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰). این ویژگی جنبش آب زاینده رود که هوشمندانه جایگاه خود را در مناسبات سیاسی بازتعریف می‌کند، شاخصه مهم آن است. بدین ترتیب، «خودی ماندن» حتی در برخوردهای شدید امنیتی و قضایی نیز مشهود است. همچنین، در پرفورمنس این جنبش، شیوه‌های نوینی برای بیان اعتراضات ابداع شد. برای نمونه، اجرای ایده پخت آش نذری توسط کشاورزان شرق اصفهان در بستر خشک رودخانه زاینده رود در فروردین ۱۴۰۰ از این نوع است. آن‌ها در اجرای این پرفورمنس حضور به هم رساندند و اعتراض خود را با نمایش نمادهای فرهنگی‌ای اعلام کردند که کدگشایی آن برای سایر شهروندان دشوار نبود. پخت آش نذری، دعوتی برای پیوستن به جنبش و برای آگاهی از اهداف و حضور جنبش بود؛ اما بیش از آن، ابعاد نشانه‌شناسانه‌ای داشت که بیان‌گر خودی بودن کشاورزان بود.

در مفهوم «آش نذری»، بیان دعا و دادخواهی مؤمنانه‌ای وجود دارد که مظلومیت را به درگاه خداوند می‌برد و تقابلی را به صورت نمادین آشکار می‌کند که سوی دیگرش مورد طرفداری عموم تماشاچیان قرار نخواهد گرفت. حتی اگر نماینده کشاورزان شرق اصفهان بگوید: «گردهمایی امروز تجمع اعتراضی نیست، بلکه ادای نذر برای زنده شدن زاینده رود است» (همان)؛ باز هم این اقدام در ابعاد نمادینش، هوشمندانه دست به اعتراض و مقاومتی زده که در آن خودی ماندن هم نسبت به دیگری سیاسی و هم دیگری جامعه رعایت شده است.

۳-۲-۴. راهبرد تداوم و پایداری در اعتراضات

«تداوم» اعتراضات، شاخص مهمی در شناخت یک جنبش است. جنبش زاینده رود از سال ۱۳۹۱ با اعتراضات شدیدی قابل شناسایی است که در نهایت با استفاده از نیروی قهریه پایان یافت. در درون این تداوم یک دهه‌ای، یکی از موفق‌ترین راهبردهای رسانه‌ای و اجرایی جنبش زاینده رود، ایجاد «پویش دوشنبه‌های آبی» بوده است که در پی آن، دوشنبه هر هفته تجمعی در مقابل یکی از ارگان‌های مرتبط صورت می‌گرفت و شعارهایی در مقابل آن داده می‌شد.



در مورد اعتراضات آبان ۱۴۰۰ نیز، شروع آن‌ها در دوشنبه اعتراضی ۱۷ آبان و با تجمع اعتراضی در مقابل سازمان آب منطقه‌ای اصفهان و سازمان صداوسیما در مقابل آن بود که تا ۶ آذر و با برخوردهای انتظامی با تجمع‌کنندگان ادامه یافت. راهبرد تداوم حرکت اعتراضی در یک روز هفته به مدت طولانی، حضور این جنبش در سطح شهر اصفهان را محسوس و رسانه‌ها را با آن مواجه کرد. در این تداوم، خنثی ماندن رسانه‌ها معنایی ندارد؛ زیرا تنها یک واقعه را در پیش روی خود ندارند و اگر یکی از این وقایع را پوشش دهند، ناگزیر نگاهشان به کلیت ممتد این اعتراضات نیز گشوده می‌شود؛ کلیتی که حداقل به مدت یک دهه از اعتراضات سال ۱۳۹۱ تاکنون تداوم داشته است.

۴-۲-۴. راهبرد سوژه مظلوم

در عرصه اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی، رسانه‌ای شدن امری سرنوشت‌ساز است. اعتراض باید به اندازه کافی نوآورانه یا دارای ارزش خبری باشد تا در رسانه‌های جمعی انعکاس پیدا کند و در نتیجه معترضین با جلب نظر طیف گسترده‌ای از مردم، حقانیت اهدافشان را به آنان ثابت کنند؛ بنابراین تاکتیک‌های اعتراضی نوآورانه باید به گونه‌ای تنظیم شوند که هم تهدیدی برای نخبگان سیاسی باشند و هم نظر مردم را جلب کنند که تحقق این امر در سایه پوشش رسانه‌ای ممکن خواهد بود (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). آنچه کشاورزان اصفهانی را در بُعد رسانه‌ای موفق کرد، تأکید بر مظلومیت آنان بود. مظلومیت کشاورزان، به‌ویژه به دلیل پیوند اعتراضات با وضعیت معیشتشان در دوره رکود طولانی مدت و فراگیر اقتصاد ایران، حقیقتی انکارناپذیر است، اما در بهره‌گیری از آن به عنوان یک ظرفیت رسانه‌ای نیز هوشمندی ویژه‌ای مشاهده می‌شود.

برای نمونه، در وقایع آبان ۱۴۰۰ بازتاب‌های رسانه‌ای با استفاده از عبارات پربسامدی مانند «ندای مظلومیت کشاورزان در این تجمع به گوش مسئولان رسید» (ایسنا، ۱ آذر ۱۴۰۰) در رسانه‌های مختلف و در پوشش‌های خبری انعکاس یافت که این عناوین اتفاقی نبوده است. به هر روی، مظلومیت کشاورزان اصفهانی تنها یک برساخت رسانه‌ای نبود و به این دلیل واقعی‌تری عینی دارد که کشاورزان با وجود ظرفیت‌های متعدد برای کارآفرینی، تولید و تضمین امنیت غذایی استان و کشور، اکنون مشکلات بسیاری در تأمین معیشت خود دارند. گذشته از این واقعیت، برساخت رسانه‌ای «کشاورزان مظلوم اصفهانی» نیز بهره‌برداری هوشمندانه و موفق‌تری برای جلب نظرات افکار عمومی بوده است.

این برساخت در ابتدای جنبش در شعارها و شعارنوشته‌ها تجسم یافت. در گزارشی، شعارهای زیر در پلاکاردهای همراه کشاورزان نقش بسته بود:

«آیا کسی هست که ندای مظلومیت و حق طلبی ما را به مقامات مسئول برساند؟ مزارع ما سوخت و فقر نصیبمان گشت، آیا فریادرسی نیست؟ به راستی چه کسانی فاتحۀ کشاورزی منطقه را خوانده‌اند؟ مرگ زاینده رود، مرگ کشاورزی و فقر کشاورزان منطقه را چه کسی پاسخگوست؟ و آب زاینده رود به چه بهایی از کشاورزان منطقه دریغ شده؟»

(ایمنا، ۶ خرداد ۱۳۹۱)

بدین منوال، کشاورزان اصفهانی موفق شده‌اند در کنش‌های آگاهانه و تنظیم شعارها، تصویری از مظلومیت خود تولید کنند که در تعامل رسانه‌ای آنان نیز مؤثر بوده است.

۳-۴. فضای ساختاری جنبش

۱-۳-۴. نهاد نظام صنفی کشاورزان اصفهان

به گفته مدیرکل دفتر سامان‌دهی صنوف و تشکل‌های مردم‌نهاد سازمان تعاون روستایی ایران، تشکیل نظام صنفی کشاورزی فرایندی ده‌ساله بوده که از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ به طول انجامیده است و این تشکل اکنون یک میلیون و دویست هزار عضو دارد. نظام صنفی کشاورزان اصفهان نیز در سال ۱۳۹۶ ذیل سیاست کلان تشکیل اصناف کشاورزی شکل گرفت. تأکید بر حضور نظام صنفی کشاورزان «در همه مراجع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی» (ایرنا، ۹ دی ۱۳۹۹) از سوی سیاست‌گذاران در حوزه کشاورزی استان اصفهان، منجر به استفاده از این ظرفیت برای اثرگذاری جنبش در همه سطوح سیاسی و سیاستی شد.

از دی ۱۳۹۵، شرکت آب منطقه‌ای استان اصفهان، طی قراردادی اجرای طرح سامان‌دهی حریم و بستر رودخانه زاینده رود را بر اساس تبصره ۴ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب، به نظام صنفی کشاورزان اصفهان واگذار کرد. اجرای عملیات آزادسازی حریم و بستر رودخانه با همکاری معاونت حفاظت و بهره‌برداری، واحدهای حقوقی شرکت آب منطقه‌ای و دستگاه قضایی توسط نظام صنفی کشاورزان، موجب اعطای قدرت عملیاتی و صنفی به کشاورزان شد تا جایی که حدود اقدامات با پشتوانه قانونی، آنان را تا مداخله در برخی اقدامات دولتی در راستای تخصیص و بهره‌برداری از آب زاینده رود نیز کشاند.



خواسته‌های کشاورزان از تخصیص آب کشاورزی در بهار و پاییز و رسیدگی به مفاد مصوبه نه ماده‌ای در برخورد با ایجاد مصارف و تخصیص‌های جدید در حوزه زاینده‌رود که توسط این صنف پیگیری می‌شد، هم‌راستا با اعتراضات و پرفورمنس‌های اعتراضی، به صورت ساختارمند درآمد و هدایت شد. حضور نماینده صنف کشاورزان در جلسات عالی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در خصوص آب در استان اصفهان، این جلسات را از حالت خصوصی و تصمیم‌گیری پشت درهای بسته به وضعیت شفاف و مشارکتی ارتقا داد که آن را می‌توان از دستاوردهای جنبش برشمرد.

۲-۳-۴. عملی‌انگاری بر سیاست‌ها

مطالعات طرح آب‌رسانی بن به بروجن در دهه ۸۰ صورت گرفت و عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۹۱ آغاز شد. طرح انتقال آب بن- بروجن از مصوبات سفر رئیس‌جمهور و هیئت‌دولت در سال ۱۳۹۳ به چهارم‌محال و بختیاری نیز بوده است. بر اساس این طرح، سالانه ۴۰ میلیون مترمکعب آب از حوزه آبریز زاینده‌رود با طی مسافتی به طول ۱۲۸ کیلومتر، به حوزه آبریز کارون انتقال داده می‌شود. آنچه در اینجا جنبش آب اصفهان نامیده شد، در توقف اجرای این پروژه نقش مهمی ایفا کرده است و می‌توان آن را نمونه‌ای از عمل این جنبش دانست. شرح مختصری از این شیوه عمل و نتایج آن را در این بخش مرور می‌کنیم.

در سال ۱۳۹۹، اجماع کاملی برای اجرای این طرح در میان مسئولان استانی و نمایندگان وزارت نیرو وجود داشت و تنها مانع اجرای آن (عدم تأمین اعتبارات) هم در حال برطرف شدن بود. در شهریور ۱۳۹۹ (تسنیم، ۲۰ شهریور ۱۳۹۹)، مسئولان استان چهارم‌محال و بختیاری از ضرورت اجرای این طرح و موافقت مسئولان وزارت نیرو با تأمین اعتبار و رفع مسائل مربوط به اجرای این پروژه خبر دادند. استاندار چهارم‌محال و بختیاری اعلام کرد: «با پیگیری‌های صورت‌گرفته، مراحل نهایی ابلاغ اعتبار طرح انتقال آب بن به بروجن انجام شده است. این پروژه حدود ۷۰٪ پیشرفت فیزیکی دارد و طبق پیگیری‌های صورت‌گرفته، مقرر شد مراحل انعقاد قرارداد با یک پیمانکار توانمند برای اجرای این پروژه، به سرعت انجام شود.»

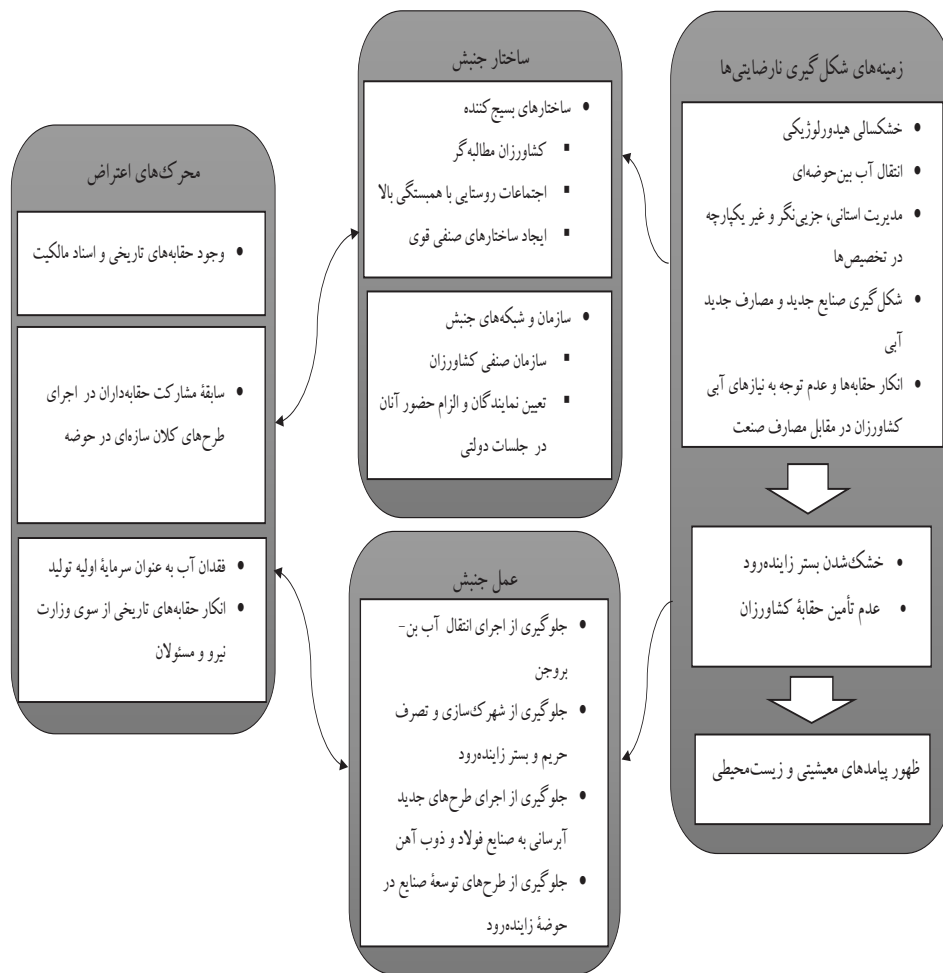
همچنین، در اظهارنظر مهمی در مرداد ۱۳۹۹، تقی‌زاده خامسی، معاون وزیر نیرو، در خصوص پروژه آب‌رسانی بن- بروجن، گفت: «همان‌طور که برای تأمین آب شرب کشور مُصَرّ

هستیم، برای این طرح هم مُصَرِّم؛ گرچه کار تعطیل نیست و تنها برای ۲ کیلومتر آبگیر مشکلاتی پیش آمد» (تسنیم، ۸ مرداد ۱۳۹۹). وی در دی ۱۳۹۹ نیز گفت: «حل این موضوع همت استانداران اصفهان و چهارم‌حال و بختیاری را می‌طلبد تا توافق کنند و مسائل حل شود. ساخت آبگیر بیشتر از سه ماه زمان نمی‌برد و مساحت زمین مورد نیاز نیز کمتر از ۵ هزار متر است» (ایکانا، ۱۹ دی ۱۳۹۹).

آنچه وی مشکلات پیش آمده در ۲ کیلومتر مسیر خواند، در واقع، اعتراض و مقاومت شدیدی بود که در استان اصفهان در زمینه اجرای این طرح وجود داشت و موجب توقف آن شد؛ تا جایی که در مهر ۱۳۹۸، برداشتن فنس‌کشی‌های مرز دو استان اصفهان و چهارم‌حال و بختیاری توسط پیمانکار (که از سوی کشاورزان به تحرکاتی در راستای اجرای طرح تعبیر شد)، موجب تجمع کشاورزان در محل برداشت آب بن-بروجن و اقدام به کورکردن مسیر و پرکردن کانال با خاک شد (ایمن، ۱۵ مهر ۱۳۹۸) و پس از آن، اجرای این طرح متوقف گردید.

کشاورزان اصفهانی تأکید دارند که دهمین مصوبه شورای عالی آب (مصوبه نه ماده‌ای)، هر نوع بارگذاری جدید روی زاینده‌رود را از دی ۱۳۹۲ ممنوع کرده است و این پروژه انتقال نیز شامل همین ممنوعیت می‌شود. اعتراضات و تجمعات کشاورزان اصفهانی و حساسیت آن‌ها نسبت به اقدامات پیمانکار پروژه که توقف اجرای پروژه حداقل در ۲ کیلومتر واقع در شهرستان بن را در پی داشت، در اسفند ۱۳۹۹ موجب صدور رأی یک قاضی کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی استان اصفهان برای توقف عملیات این پروژه شد. حکم این قاضی مورد اعتراض مسئولان استانی در چهارم‌حال و بختیاری قرار گرفت و احتمالاً این حکم موجب ابطال طرح از سوی وزارت نیرو نخواهد شد؛ اما تداوم تلاش‌های سازمان یافته کشاورزان اصفهانی به صورت جنبشی مردمی و ساختارمند برای پیگیری مطالبات خود قابل توجه است.

جلوگیری از اجرای طرح‌های انتقال آب، به ویژه طرح بن-بروجن، نمونه‌ای از تلاش‌ها و عمل جمعی کشاورزان اصفهانی است. آن‌ها در موارد دیگری نیز عمل جمعی هوشمندانه‌ای در پیگیری مطالبات و اقدام و عمل معطوف به اهداف خود داشته‌اند. جلوگیری از شهرک‌سازی و تصرف حریم و بستر زاینده‌رود، جلوگیری از اجرای طرح‌های جدید آب‌رسانی به صنایع فولاد و ذوب‌آهن و جلوگیری از طرح‌های توسعه صنایع در حوزه زاینده‌رود، از جمله این اقدامات است.



شکل شماره ۲: بازشناسی ساختار و عمل جنبش

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه تصویری که در اینجا از اعتراضات زاینده‌رود به مثابه یک جنبش ساخته‌ایم، به نظریه‌هنک جانستون بازمی‌گردیم تا عناصر این جنبش را بازشناسی کنیم. بر اساس نظریه وی (جانستون، ۱۳۹۸)، می‌توان عناصر زیر را در ساختار کلی این جنبش شناسایی کرد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: بازشناسی عناصر جنبش در نظریه جانستون

شماره	عناصر جنبش در نظریه جانستون	بازشناسی عناصر در جنبش آب زاینده‌رود
۱	ساختار جنبش‌های سیاسی	وجود گروه‌های حامی، ذی‌نفع و کنشگر
۲	سازمان جنبش	تشکیل صنف کشاورزان
۳	شبکه‌های جنبش	روابط میان آب منطقه‌ای و صنف کشاورزان، روابط میان استانداری و وزارت نیرو
۴	مدل‌های کنش جمعی	تجمعات اعتراضی، جلوگیری از اجرای پروژه‌ها و مداخله در تخصیص‌ها
۵	پرفورمنس‌های جنبش اجتماعی	شیوه‌های اعتراض، شعارها و مطالبات
۶	بازتاب رسانه‌ای	بازتاب رسانه‌های داخلی و جلب توجه رسانه‌های خارجی
۷	حوزه‌های مقابله	شیوه‌های مقابله، روش‌های مدارا و رواداری
۸	هویت جمعی	وجود هویت معین صنفی، جغرافیایی و مذهبی
۹	انسجام و تداوم	بیش از یک دهه فعالیت اعتراضی مداوم بر پایه فصل کشت

بدین ترتیب، عناصر یک جنبش اجتماعی در تعریف، مصادیق روشنی در جنبش زاینده‌رود دارد و با آنچه تاکنون درباره این جنبش گفته شد، هر یک از این عناصر قابل تشخیص است. حال بر مبنای تأیید این فرض بنیادین که «اعتراضات زاینده‌رود یک جنبش است»، می‌توان پرسش‌های دیگری را مطرح کرد که به «نوع جنبش» بپردازد. آیا می‌توان مجموع رویدادهایی که منجر به اعتراضات و کنش‌های سیاسی کشاورزان اصفهانی در مورد نحوه تخصیص آب زاینده‌رود شد را به‌عنوان یک جنبش سیاسی بازشناسی کرد؟ آیا دغدغه کشاورزان اصفهانی درباره وضعیت آب رودخانه زاینده‌رود را می‌توان در زمره دغدغه‌های محیط‌زیستی بازشناسی کرد و چنانچه در اروپا رایج است، آن را در زمره جنبش‌های محیط‌زیستی طبقه‌بندی نمود؟ یا به دلیل وابستگی جریان آب زاینده‌رود از آغاز تا پایان به وضعیت معیشتی گروه‌های معترض، می‌باید آن را نوعی شورش نان، این بار بر پایه آب و دغدغه محیط‌زیستی گره خورده با آن دانست؟



پاسخ به پرسش‌هایی درباره «جنبش بودن یا نبودن؟» و «کدام نوع جنبش، محیط‌زیستی، سیاسی یا معیشتی بودن یا نبودن؟» درباره اعتراضات زاینده‌رود، اهمیتی حیاتی برای شناخت آن دارد. اهمیت این شناخت از آن روست که این جنبش را مورد مصادره گروه‌های سیاسی قرار ندهد، آن را قربانی تصویری از یک جنبش مظلوم و معصوم (که نماینده مبارزه‌ای عام‌المنفعه است) نکند و در مقابل، قادر به شناسایی ویژگی‌هایی باشد که این جنبش را برآمده از خواست‌های عدالت‌طلبانه و مقاومت‌جویانه در مقابل سیاست‌های منفعت‌طلبانه و نولیبرالیستی بداند که نه قابل انکار است و نه قابل تقلیل به سایر اهداف معیشتی صدقه‌ای یا سیاسی گروهی.

برای نمونه، سیمین فدایی ظهور گرایش‌های محیط‌زیستی در ایران را بیش از هر چیز دیگر، منعکس‌کننده نیاز به دموکراتیک‌شدن زندگی اجتماعی و هدف‌کنش‌های محیط‌زیستی را مشروعیت‌بخشی به این نیاز از طریق فضای مدنی (این جنبش) و به چالش کشیدن ناکارآمدی نهادهای سیاسی می‌داند (فدایی، ۲۰۱۱: ۹۵)؛ اما یافته‌های این مقاله، برداشت‌های منفعت‌طلبانه سیاسی را به شدت نفی می‌کند.

ابعاد اقتصادی و معیشتی کشاورزان اصفهانی نیز در تعریف ماهیت جنبش نقش مهمی دارد، اما برداشت‌های تقلیل‌گرایانه‌ای که این جنبش را نوعی جنبش نان تعریف کند نیز نادرست است. مثال‌های نقض فراوانی وجود دارد؛ برای نمونه، در جریان اعتراضات پاییز ۱۴۰۰، استاندار اصفهان اعلام کرد: «مقرر شده است مبلغ ۱۵۰۰ میلیارد تومان از طریق صنایع تأمین و در صندوق سازگاری با کم‌آبی به جهاد کشاورزی تحویل شود تا بین حقه‌داران تقسیم شود». این وعده نه تنها موجب پایان گرفتن اعتراضات کشاورزان نشد، بلکه موجی از خشم کشاورزان را پدید آورد و آن‌ها در تجمعات واکنش‌تندی به آن نشان دادند. این واکنش‌ها با اطلاق واژه «صدقه» به «خسارت‌های قانونی» و طرح مبحث «زکات» در مقابل آن مطرح شد. کشاورزان معتقدند روزی زکات می‌داده‌اند، یعنی از کثرت اموال خویش به فقرا می‌بخشیده‌اند و اکنون حاضر نیستند صدقه بگیر شوند و پولی به آنان داده شود که نشان از نیازمندی و وابستگی دائمی مالی آنان باشد. در چنین رویکردی، دیگر تنها بیان مثال نقض برای رد نظریه مطرح نیست، بلکه سخن از وجوه هستی‌شناختی ناظر بر این ترمینولوژی است که ریشه‌های تاریخی و فرهنگی را یادآور می‌شود؛ ریشه‌هایی که مسئله دریافت پول - فارغ از تحقق و تخصیص یا عدم آن - را در خارج از محدوده نگرش و جهان‌بینی تاریخی کشاورزان قرار می‌دهد.

بدیهی است که در شرایط اضطرار و نیاز شدید معیشتی، کشاورزان از دریافت این خسارت‌ها از سوی دولت استقبال کنند، اما «صدقه» نامیدن آن نشان از آن دارد که چنین دریافتی‌هایی نمی‌تواند به عنوان غایت ارزشی اعتراضات مطرح باشد.

جنبش زاینده‌رود اکنون بازیگری مهم در فضای سیاسی استان اصفهان و استان‌های هم‌جوار است که وعده‌های انتخاباتی ریاست جمهوری یازدهم و مطرح شدن مطالبات مربوط به آن در فضای سیاسی، به‌ویژه در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، از دلالت‌های آن به شمار می‌رود. با این وجود، همان‌گونه که در محیط‌زیستی یا معیشتی نامیدن جنبش مطرح شد، دهقانی (سیاسی) دانستن این جنبش نیز نوعی عدم جامع‌نگری بر مبنای علل و عوامل شکل‌گیری آن است. هنگامی که جنبش زاینده‌رود به عنوان جنبشی اجتماعی بازشناسی شود، معنای متفاوتی از جنبش دهقانی را بازنمایی می‌کند. شورش‌های دهقانی، آن‌چنان‌که برینگتون مور توصیف می‌کند، نقش مهمی در تحولات بنیادین دارند؛ اما چنین توصیفی در موضوع مورد بررسی، قابل اعمال نیست، زیرا اعتراضات کشاورزان در قالب مطالبات مدنی و صنفی در چارچوب وضعیت سیاسی مستقر، وضعیتی غیرانقلابی است و ایدئولوژی‌های انقلابی در آن وجود ندارد.

بازشناسی اعتراضات کشاورزان حوزه زاینده‌رود به مثابه یک جنبش اجتماعی، چشم‌انداز جدیدی را در مورد آن می‌گشاید. جنبش‌های اجتماعی نیروهای محرک مهمی در تغییرات سیاسی و اجتماعی در قدرت‌ها هستند و وجود یک جنبش اجتماعی مؤثر در استان اصفهان که اهمیت تاریخی غیرقابل‌انکاری در تحولات کشور داشته و دارد، چشم‌اندازی پیش روی محققان می‌نهد تا تکاپوی اجتماعی را به شکل متفاوتی نظاره کنند. چنانچه آصف بیات در بازشناسی جنبش تهی‌دستان در ایران، لایه‌ای از مناسبات قدرت و مقاومت در جریان‌های سیاسی در کشور را آشکار می‌سازد که پیش از آن نادیده گرفته شده بود، بازشناسی جنبش زاینده‌رود را نیز می‌توان فرصتی برای بازخوانی متفاوتی از مناسبات اجتماعی در ایران دانست. به گفته بیات، «مردم معمولی با شیوه‌های معمولی‌شان تغییرات مهمی را رقم می‌زنند؛ تغییراتی که گاهی قابل‌مقایسه با تغییراتی است که ممکن بود (و یا ممکن نبود) انقلاب برایشان ایجاد کند. تلاش این اقدام‌کنندگان برای توزیع مجدد امکانات و فرصت‌های اجتماعی و نیز مبارزه آن‌ها برای کسب استقلال داخلی، هزینه اقتصادی و سیاسی سنگینی را بر گروه‌های مسلط اجتماع تحمیل و به تغییر توازن قدرت در جامعه کمک می‌کند» (بیات، ۱۳۷۹: ۲۸۳).



در این مقاله تلاش شد جنبش نامیدن کنش‌های مربوط به بحران آب در زاینده‌رود، به‌عنوان بخشی از راهکار سیاستی حل مسئله مطرح شود و راه برای اندیشیدن به ادامه مسیر فراهم آید. همچنین، این نوشتار در پی ترسیم انگاره اجتماعی متفاوتی به‌منزله موضوع علم جامعه‌شناسی بوده است، شاید چنانچه تورن می‌گوید، «باید از نوع دیگری از جامعه‌شناسی دفاع کنیم؛ همان جامعه‌شناسی‌ای که به انگاره جنبش اجتماعی نقشی کانونی می‌دهد و با روش‌های جدید، در پی درک کنشگران و آگاهی نهفته در کنش آن‌هاست. در این جامعه‌شناسی، انسان‌ها تاریخ را می‌سازند و بر این امر واقف‌اند، هرچند همچنان در دام ایدئولوژی‌ها گرفتار باشند» (تورن، ۱۴۰۰: ۲۰۹).

در اصفهان، چهارم‌حال‌وبختیاری و خوزستان، منازعه‌ای پیرامون آب در جریان است، جنبشی اجتماعی ظهور یافته و قدرت‌هایی در حال مذاکره و قدرت‌نمایی هستند که آینده را می‌سازند. شناختن، معرفی و نامیدن آن‌ها وظیفه‌ای است که جامعه‌شناسی از آن نوع دیگرش بر عهده دارد. در این نوشتار، تلاش شد گامی برای این هدف برداشته شود. ماهیت درحال‌تغییر روندها و فرایندها در این حوزه، شاید به‌زودی برخی از خطاها یا صحت تحلیل‌های آن را روشن کند. درهرصورت گامی برداشته شده و همین به معنای وظیفه‌ای است که جامعه‌شناسی بر عهده دارد.

منابع

- اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۹). بحران تأمین آب در حوزه زاینده‌رود؛ مطالعه موردی: اعتراض‌های سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۳)، ۵۸۵-۵۶۷.
- امینی، سعیده، میرزایی، حسین و اصلان‌زاده، مهدی (۱۴۰۰). رتوریک جنبش جلیقه‌زدهای پاریس. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق). ۲۸(۲)، ۳۹۰-۳۶۵.
- بیات، آصف (۱۳۷۹). سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران. ترجمه سیداسدالله نبوی‌چاشمی، تهران: شیرازه.
- پایگاه خبری دیدار (۱۴۰۰)، ۴ اردیبهشت. دادستان عمومی و انقلاب اصفهان: هرگونه تجمع برای مطالبات زاینده‌رود بدون مجوز شورای تأمین ممنوع است. کد خبر: ۸۸۱۵۱.
- تورن، آلن (۱۴۰۰). بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه‌پسا صنعتی. ترجمه سلمان صادقی‌زاده، تهران: ثالث.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جانستون، هنک (۱۳۹۸). جنبش اجتماعی چیست. ترجمه سعید کشاورزی و مریم کریمی، تهران: ثالث.
- چمنی، عاطفه و کاظمی، محدثه (۱۳۹۵). بررسی علل خشکی زاینده‌رود و تأثیر آن بر صنعت

- گردشگری در اصفهان از دیدگاه مردمی. ارائه شده در: اولین همایش بین‌المللی مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست‌محیطی در ایران، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/549265>
- دلپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- رحیمی، داریوش و محمدی، زهرا (۱۳۹۶). بررسی خشک‌سالی هیدرولوژیکی حوزه آبخیز زاینده‌رود. آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۵)، ۲۳۳-۲۲۱.
- روزنامه همشهری (۱۳۹۹، ۷ تیر). روستاهای شرق اصفهان، عرصه جولان زمین‌خواران. قابل دسترس در: hamshahrionline.ir/x6tXJ
- روزنامه رسالت (۱۴۰۰، ۲۴ آبان). زخم کهنه حقایب سرباز کرد، قابل دسترس در: <http://paper.re-salat-news.com/newspaper/page/10178/1/119671/0>
- شبکه اطلاع‌رسانی دانا (۱۳۹۲، ۱۴ بهمن). تصویب طرح جامع احیای حوزه آب‌ریز زاینده‌رود در شورای عالی آب. قابل دسترس در: <https://www.dana.ir/57218>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۸، ۲۹ مهرماه). تلاش وزارت نیرو برای حل مشکل حقایب‌ها در سطح ملی. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/7072916033>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۹، ۶ اسفند). توقف پروژه بن-بروجن با حکم قضایی. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/99120604408>
- خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۰، ۲۷ آبان). اختصاص ۳۸۰۰ میلیارد تومان برای کشاورزان و طرح‌های آبی اصفهان. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/1400082721280>
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۸، ۲۹ تیر). مقررات حقایب‌ها در کشور به اصلاح نیاز دارد. قابل دسترس در: www.irna.ir/news/83401990
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۹، ۹ دی). شروع کار نظام صنفی کشاورزی با ساختار جدید در سال ۱۴۰۰. قابل دسترس در: www.irna.ir/news/84166276
- خبرگزاری ایکانا (۱۹ دی ۱۳۹۹). حل مشکلات طرح انتقال آب بن-بروجن. قابل دسترس در: <https://www.icana.ir/Fa/News/464985>
- خبرگزاری ایمننا (۱۳۹۸، ۲۱ فروردین). چرا زاینده‌رود با وجود بارش‌های اخیر سیراب نشد. کد خبر ۳۷۲۴۹۷.
- خبرگزاری ایمننا (۱۳۹۸، ۱۵ مهر). اقدام جدید پیمانکار طرح بن-بروجن دلیل اعتراض کشاورزان اصفهانی بود. قابل مشاهده در: www.imna.ir/news/392401
- خبرگزاری ایلنا (۱۳۹۹، ۷ بهمن). اعتراض کشاورزان اصفهانی به سخنان عضو هیئت رئیسه مجلس: سخنان لارگانی منطبق بر نامه شیخ بهایی نیست. قابل دسترس در: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1029921>
- خبرگزاری ایلنا (۱۴۰۰، ۴ اردیبهشت). تجمع کشاورزان شرق اصفهان در منطقه چادگان: کشاورزان خواهان حقایب خود هستند. قابل دسترس در: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1067410>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹، ۸ مرداد). معاون وزیر نیرو: برای اجرای پروژه بن-بروجن اصرار داریم، پروژه تعطیل نیست. قابل دسترس در: <https://tn.ai/2317008>



- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹، ۷ شهریور). انتقاد امام جمعه شهرکرد از بی‌توجهی به پروژه بن-بروجن. قابل دسترس در: <https://tn.ai/2337369>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۹، ۲۰ شهریور). چرا طرح ملی بن-بروجن برای چهارم‌حال و بختیاری حائز اهمیت است. قابل دسترس در: <https://tn.ai/2345483>
- خبرگزاری خبرآنلاین (۱۳۹۹، ۵ اسفند). توقف طرح غیرکارشناسی انتقال آب بن-بروجن. قابل دسترس در: khabaronline.ir/news/1489200
- خبرگزاری خبرآنلاین (۱۴۰۰، ۵ آذر). گزارش مهم وزارت نیرو: راهی جز سازگاری با کم‌آبی نیست. قابل دسترس در: khabaronline.ir/news/1576824
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۰، ۹ اردیبهشت). مطالبه کشاورزان اصفهان سیاسی نیست. قابل دسترس در: mehrnews.com/xVcYz
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۰، ۵ خرداد). سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس: لیاقت و کفایت در وزارت نیرو دیده نمی‌شود. قابل دسترس در: www.mehrnews.com/xVpG
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۰، ۹ خرداد). رئیس جمهور آینده مانع جوسازی سیاسی و قومیتی برای حل مشکل آب باشد. قابل دسترس در: www.mehrnews.com/xVqGY
- خبرگزاری موج (۱۳۹۹، ۲۹ بهمن). وزارت نیرو به دنبال سست کردن پایه‌های حقایق‌های کشاورزی است. قابل دسترس در: <https://www.mojnews.com/fa/tiny/news-366502>
- سازمان نظام صنفی کشاورزان استان اصفهان (۱۳۹۶، ۲۲ آذر). نحوه تشکیل نظام صنفی کارهای کشاورزی بخش شهرستان، قابل دسترس در: <https://skoesfahan.org/22/09/1396>
- طالبی اسکندری، سروش (۱۳۹۸). پنج دهه بازتخصیص خاموش: تحولات نظام بهره‌برداری آب زاینده‌رود. تهران: پژوهشکده تدبیر آب.
- کیانی سلمی، صدیقه و امینی فسخودی، عباس (۱۳۹۶). تبیین عوامل اجتماعی خشک‌سالی و شناسایی آثار آن. برنامه‌ریزی فضایی، ۷(۴)، ۱۸-۲۰.
- عبدی، مصطفی (۱۳۹۴). جنبش‌های اجتماعی و مسئله تغییر ساختارهای اجتماعی در ایران آسیایی. جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۲)، ۷۲-۴۸.
- عینالی، جمشید و شفیعی، محمدرضا (۱۳۹۹). سنجش میزان آسیب‌پذیری کشاورزان در برابر خشک‌سالی ناشی از بحران آب زاینده‌رود. نشریه علمی جغرافیا و مخاطرات محیطی، ۹(۳۵)، ۱۵۹-۱۸۱.
- فیروزآبادی، سیداحمد و خمسه، زهرا (۱۴۰۱). مطالعه پیامدهای اقلیمی در نقاط روستایی شرق اصفهان. نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، ۲۷(۲)، ۴۲۶-۴۱۱.
- هوینس، ویلیام و کروتی، دیوید (۱۳۹۱). رسانه و جامعه: صنایع، تصاویر و مخاطبان. ترجمه مهدی یوسفی و رضا مرزانی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- Fadaee, Simin (2011). Environmental Movements in Iran. *Social Change*, 41(1), 79-96.
- Greenberg, Stephen (2004). *The Landless People's Movement and the Failure of Post-Apartheid Land Reform*. University of KWAZULU-NATAL.